



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (۱۰) دی ۱۳۵۳هـ

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شورى كميسيون
- ۳- تعيين موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

مجلس ساعت ۴ بعد از ظهر برياض آقای عبدالله رياضى تشكيل گرديد .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان :

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شورى كميسيون
 بودجه راجع به بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ و بودجه
 سال ۱۳۵۴ کل کشور .
 رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه
 اصلاحی سال ۱۳۵۳ و بودجه سال ۱۳۵۴ کيل کشور
 مطرح است آقای دکتر متین تشریف بیاورید .

دکتر متین - جناب آقای رئیس - نمایندگان
 محترم اجازه بفرمائید قبل از شروع عرایض راجع به
 بودجه عظیم و افتخار آمیز دولت خدمتگزار هویدا مبلغ
 ۲۴۴۷ میلیارد ریالی (۳۰ میلیارد دلار) دولتی که با
 کارنامه زرین و درخشان ، دهسال خدمتگزاری صادقانه
 به شاهنشاه آریامهر و ملت ایران را با سر بلندی پشت سر
 گذاشته برای تبرک و حسن شروع سه بیت شعر بخوانم و
 آنکاه بعرایض ادامه دهم .

صبح ، امروز خدايا چه مبارك بدميد

که همی از نفسش بوی عبیر آید و عود

گر کسی شکرگزاری کند این نعمت را

ننواند که همه عمر در آید بسجود

حسرت ما در گیتی همه وقت آن بوده است

که بزاید چو تو فرزند مبارك مولود (احسن)

احمد - دکتر ابوالهدی - اسلامی - نیا - بدر صالحیان
 دکتر برزگر - مهندس بهیانی - بهنیا - پیرزاده - جعفری -
 جوانشیر - دکتر حبیب‌اللهی - مهندس حسین خسروی -
 دکتر خطیبی - دولو - دکتر رفیعی - دکتر رهنوردی -
 سعادت - شاهنده - دکتر ضیائی - عبدالحسین طباطبائی -
 مهندس عطائی - دکتر عظیمی - دکتر کفائی - کمالانی
 دکتر مدنی - نجدشیبانی - نیکروش - مهندس نصر - خانم
 اقبال - خانم پیرنیا - خانم دولتشاهی - خانم زاهدی -
 خانم مزارعی .

غائبین مریض - آقایان :

پرویزی - دکتر جزایری - جهانی - تیمسار حکیمی

دیهیم - کریم بخش سعیدی - محدث زاده - موقر -

مهرزاد .

آقایان نمایندگان آن صبح مبارک امروز است که این بودجه عظیم رفاهی و عمرانی بارهبریها و ارشاد خردمندان شاهنشاه آریامهر از جانب دولت خدمتگزار هویدا برای عمران و آبادی و تجدید حیات و افتخارات گذشته ملت ایران و تهیه زندگی بهتر و عالی تر برای ملت ایران و برای پیشرفت سریع امور اقتصادی و بازرگانی و صنعتی و کشاورزی و فرهنگی و بالاخص تهیه بهترین وسائل زندگی ۱۷ میلیون کشاورزان و روستائیان و مولدین ثروت در ۶۷ هزار واحد روستائی کشور و تأمین درآمد سرانه آنان برابر با درآمد سرانه مردم شهرنشین و فراهم نمودن تمام وسائل بهداشتی و درمانی و رفاه اجتماعی و بهبود هر چه بیشتر زندگی کارگران و مولدین ثروت کشور و بهزیستی مردم شهرنشین و طبقات مختلف اصناف و صاحبان حرف و مشاغل آزاد و توسعه امر آموزش و پرورش در سطوح ابتدائی و متوسطه و عالی و تأمین تحصیلات مجانی برای همه فرزندان ایران تا آخر سال تحصیلی راهنمایی و همچنین تقویت نیروی دفاعی کشور عزیز ما برای بحث و اظهار نظر و بالنتیجه تصویب آن تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی شده است (صحیح است) بلی صبح امروز حقیقتاً مبارک است و لذا از پشت تریبون مجلس شوری از طرف ملت ایران و نمایندگان ملت ایران از درگاه اینزد متعال مسئلت می نمایم که همه خدمتگزاران شاه و ملت از نخست وزیر محبوب و خدمتگزار و دولت پر کارش و همچنین همه کارمندان دولت و تمام طبقاتی که برای پیشرفت و ترقی و تعالی مملکت حقاً و واقعاً روز و شب زحمت میکشند و همچنین نمایندگان محترم مجلس شورای ملی که در سایه اینهمه امنیت و ثبات سیاسی داخلی و خارجی در نهایت صفا و وصیت برای بهزیستی ملت شاه دوست و وطن پرست ایران عزیز با افتخارات گذشته و حال و تاریخ مداومش تلاش و کوشش میکنند موفق و مأجور بدارد و به پادشاه جوان بخت و رهبر خردمند و اندیشمند ملت ایران شاهنشاه آریامهر که هر چه داریم از پر تو وجود معظم له است و شهبانوی عزیز و نیکوکار ملت ایران که مظهر عطف و مهربانی است و ولیعهد عزیز و گرامی و نور دیده ملت ایران صحت و سلامتی و

طول عمر عطا فرماید (صحیح است - احسن) تا ملت ایران بتواند سالیان دراز از پر تو عنایات پادشاه عزیز خود به همه آرزوهای قلبی خود برسد (انشاء الله) بسیار مفتخر و مباهی هستم که بعنوان يك سرباز شاهنشاه آریامهر و حزب سربلند و مفتخر حزب ایران نوین - حزب منبعث از انقلاب شاه و ملت یعنی تنها حزبی که در تاریخ احزاب سیاسی ایران مظهر نظم و دیسپلین و کار و کوشش و خدمتگزاری به شاه و ملت و پیشرفت در جهت ترقی و اعتلای مملکت بوده و با کارنامه درخشان و زرین خود چنین بودجه عظیمی را به ملت ایران ارائه میدهم مطالبی در همین زمینه و اهمیت این بودجه عظیم بعرض نمایندگان ملت برسانم. (احسن) البته بنده نمی خواهم بگویم که از این بودجه دفاع میکنم زیرا این بودجه درخشان احتیاج به دفاع ندارد و بقول خارجیها دفاعش در خودش مستتر است و Auto Defence است.

از ابتدای بحث در اطراف این بودجه عظیم به سخنان نمایندگان و خطبای اقلیت گوش دادم چون از طرف ناطقین اقلیت مطالب غیر واقع و انتقاد غیر سازنده ای عنوان شد لذا وظیفه خود میدانم بعرض جواب مبادرت بورزیده سپس همانطوریکه بعرض نمایندگان محترم رساندم در اطراف اهمیت و عظمت بودجه ای که امروز مطرح است و با تصویب و اجرای آن چهره و سیمای مملکت پیشرفته ما را در طول برنامه عمرانی در دست اجرا تغییر خواهد داد و خدمات و پیشرفت هائی که در امر توسعه کشاورزی و منابع طبیعی و عمران و آبادی روستاها و بهداشت و درمان کشاورزان و توسعه و پیشرفت صنایع روستائی و غذائی و همچنین برنامه هائی که برای بسط مواصلات و ساختمان راههای اصلی و فرعی در شهرها و روستاها و ارتباط روستاها با جاده های آسفالتی اصلی کشور و دادن آب و برق ب روستاها و ساختن مدارس و بیمارستانها و درمانگاهها و نیز برقراری وسائل مواصلاتی سمعی و بصری در کشور و در سطح واحدهای کشاورزی و روستاها مصرف خواهد شد و بالاخص آنچه مربوط به امر کشاورزی و منابع طبیعی و مسائل مربوط به عمران و آبادی و نوسازی ۶۷ هزار دهستانهای ایران است و موضوع گسترش و توسعه عظیم خطوط

مواصلاتی سمعی و بصری و ترابری اجرا و بمصرف خواهد رسید مطالب مشروحي بعرض نمایندگان محترم برسانم.

بودجه ایران از سال ۱۳۴۱ شمسی تا امروز :

در طی ۱۲ سالی که گذشت بخوبی می بینیم که چه زود و بصورت عالی و منطقی تحت رهبری شاهنشاه بزرگ ما آریامهر محمد رضاشاه که امروز جهانیان ستایشگر ایشان هستند به مرحله ای رسیده ایم که در پایان دوره اجرائی برنامه پنجم یعنی سه سال دیگر و آغاز برنامه عمرانی پنجساله ششم ایران در ردیف کشورهای بسیار پیشرفته و مترقی قرار میگیرد بودجه کل کشور و روشنگر سیاست کلی دولت و خط مشی های سیاسی او درباره تمام امور و شئون مملکتی و ملی است. هر رقم از اعتبارات بودجه رمزگویای جهش و انقلابی مترقیانه و سازنده در جهتی از جهات است (صحیح است) توسعه رشد صنایع. اولویت هائی برای طرح های کشاورزی. تسریع بیشتر کمی و کیفی در پیشبرد اجرای فرمان مطاع شاهنشاه درباره آموزش و پرورش و تغذیه رایگان. مبارزه بی گیر و بی امان همه جانبه با تورم در جهت تأمین رفاه عمومی. عمران نواحی و بویژه روستاهای کشور.

رفاه اجتماعی - توسعه بیمه های اجتماعی و امور درمانی و تعمیر بهداشت بر بنیاد فرمان شاهنشاه. امور حمل و نقل و راه و ترابری که به مثابه شریان های اقتصادی کشورند - توجه عمیق و اساسی باحوال کارمندان - حقوق معلمان و رفاه حال فرهنگیان و بازنشستگان و از کار افتادگان و وظیفه بگیران برنامه سیاسی عظیمی از جهت امور مالی است که روزگاران دولت ها لایحه يك دوازدهم را چون كشكول در یوزه گیری که تحصیل اعتباری برای هزینه جاری بود شاهد آنست که خلاق این معجزه - معجزه ایجاد بودجه ۲۴۴۷ میلیاردی یا ۳۰ میلیارد دلاری مرهون افکار بلند رهبر عالیقدر و اندیشمند شاهنشاه بزرگ ایرانست و دولت حزبی هویدا وسیله ظهور و بروز و اجرای نیات و افکار دوران دیشانه معظم له است حالا دیگر نه تهران بلکه ایران و نه تنها برای خاورمیانه بلکه برای دنیای شرق و غرب قطب جاذبه عظیمی شده است (احسن) که ماهه روزه هیئت های نمایندگی اعزامی کشورهای شرق و غرب را

از همه قاره های پنجگانه کره مسکون به تهران بوسیله ارتباطات جمعی و مطبوعات میخوانیم و تصاویر زنده این جریان را روی صفحات روشن تلویزیون می بینیم.

بودجه کل کشور و اعتبارات سی میلیارد دلاری آن

هماننگ با توسعه ابعاد طرح های پنجم که شاهنشاه آریامهر در کنفرانس رامسر در شهریور گذشته روی آن صحنه نهادند تنظیم گردیده است بوجه کل کشور برای ۱۳۵۴ و اصلاحیه بودجه ۱۳۵۳ آنچنان بادقت و توجه به تعلیمات و ارشادهای دوران دیشانه شاهنشاه آریامهر تنظیم شده است که محلی و محلی برای جدال در موضوعات آن بجای نگذاشته است مگر در مواردی که پاره ای از برنامه ها و خط مشی ها نیاز به توضیحات بیشتری برای نمایندگان مجلس شورای ملی داشته باشد نمایندگان از هر گروه پارلمانی کمال آزادی را در بیان نظرات خود داریم و یقین است که از نظرات صائب و سازنده استفاده میشود بحث درباره بودجه کل کشور از مهمترین وظائف اساسی مجلس شورای ملی است و همه نمایندگان ذیحق در اظهار نظر و بحث و گفتگو درباره آن هستند و این امر خود از جمله مظاهر نظام دموکراسی آزاد ایران می باشد (صحیح است) باید عرض کنم که بودجه سال ۱۳۵۴ بودجه ای است رفاهی و غیر تورمی (فرهادپور - کی گفت که بودجه تورمی است این را از قول خودتان میفرمائید) من در کلیات لایحه صحبت میکنم از قول شما صحبت نکردم. (صدری کیوان - عوامل ضد تورمی درش هست) بلی عوامل ضد تورمی در آن هست و بودجه رفاهی بآن میگویند گذشته از اهمیتی که این بودجه از لحاظ رقم نسبت به بودجه های سال قبل دارد و ویژگی های آن نیز بنحوی است که میتوان آنرا از سال گذشته متمایز دانست و علل اساسی آن در اینست که کشور ما اکنون در راه پیشرفت های سریع اقتصادی گام بر میدارد ضرورتاً باید چنین بودجه تهیه و تنظیم نماید در مورد ویژگی های مهم این بودجه میتوان به موضوعات زیر اشاره کرد.

۱ - هدفها و سیاست هائی که در این بودجه پیش بینی گردیده است.

۲ - جنبه ضد تورمی بودن بودجه.

۳ - جنبه عظیم رفاهی آن:

که سبب گزیده است ارقام نجومی یا astronomique برای بهبود وضع رفاهی طبقات مختلف مردم اختصاص داده شود و همه مردم بویژه طبقات کم درآمد از تمامی مصادیق رفاهی بهره‌مند گردند.

برنامه‌ها هدف‌ها و سیاست‌های بودجه سال ۱۳۵۴ عبارت است از:

۱ - رشد سریع اقتصادی.

۲ - مقابله با کمبود کالا و سرمایه‌گذاری و مقابله با تنگناهای مختلفی که بر اثر گسترش برنامه‌های عمرانی ایجاد گردیده است.

۳ - تقویت بنیه دفاعی کشور.

۴ - تصمیم کمی و کیفی فرهنگ عمومی برای پرورش نیروی انسانی تعداد و تخصص‌های کافی از نظر اجرای برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور.

۵ - توجه هر چه بیشتر برفاه اجتماعی بمنظور هماهنگ‌سازی برنامه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و جلوگیری از اثرات ناخوشایند رشد سریع اقتصادی بر طبقات کم درآمد که دارای درآمدها و مزدهای ثابتی هستند.

۶ - توجه بیشتر بوضع جوانان و فراهم ساختن امکانات و تسهیلات مربوط به تحصیلات پایه‌ای و اساسی و ایجاد اشتغال مولد بدنیاال آن‌و نیز فراهم ساختن وسائل رفاه و آسایش آنان و سرانجام وسائل و تسهیلات لازم برای ایام فراغت آنان.

۷ - توزیع عادلانه درآمدها برای هماهنگ ساختن درآمد گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق افزایش و امکانات اشتغال نام و کامل و ترقی میزان مزد و حقوق و تضمین حداقل مزد و سرانجام افزایش مالیات‌های مستقیم بر درآمدها.

ولذا ملاحظه می‌گردد: که بودجه سال ۱۳۵۴ کشور با رقمی در حدود ۲۴۴۷ میلیارد ریال و با سیاست‌هایی که بدان اشاره شده نه تنها از لحاظ مقدار و کیفیت نسبت به سال‌های گذشته کشور بی سابقه است بلکه نسبت به بودجه دیگر کشورها بودجه‌ای است استثنائی (صحیح است)

در کشور ما در سایه انقلاب اجتماعی شاه و ملت و به مرحله اجراء نهادن یک رشته برنامه‌های انقلابی در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، رشد اقتصادی سال‌سال‌رو با افزایش‌گذارنده نحوی که در ابتدای برنامه پنجم عمرانی کشور با قیمت‌های ثابت به رقم ۱۴ درصد بالغ گردیده است چنانچه فی‌المثل تولید ناخالص ملی ما که در آغاز برنامه پنجم ۱۱۶۵ میلیارد ریال بوده با پیش‌بینی رشد سالانه ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۳۶۸۶ میلیارد ریال بالغ خواهد شد و بر این اساس بطوریکه در ارقام مربوط به بودجه ملاحظه می‌گردد در زمینه کشاورزی هدف دولت باز هم بیشتر رشد تولیدات کشاورزی است زیرا دولت در عین حال که هم خویش را مصروف صنعتی شدن کشور نموده ضمناً با حداکثر کوشش و تهیه همه‌گونه وسائل از امر کشاورزی نیز غافل نمانده و همواره بر آن است که کشاورزی نیز همپای با صنعت و به کمک آن در طریق توسعه و گسترش گام بردارد به نحوی که در سال ۱۳۵۴ نظر دولت آن است که رشد کشاورزی به ۶ درصد و دامپروری به ۸ درصد برسد.

باتوجه به تدابیری که از آن یاد شده تردید نیست که میزان حجم تولید در زمینه‌های مختلف در کشور روز بروز رو به افزایش می‌نهد و بدین ترتیب شاخص‌های مختلف مربوط به اقتصاد کشور سیر صعودی می‌پیماید و بدینسان رشد اقتصادی کشور افزایش می‌یابد.

بودجه سال ۱۳۵۴ با پیش‌بینی‌هایی که در زمینه مختلف از آن یاد شده راه را برای افزایش جهش رشد اقتصادی کشور هموار می‌نماید بطوریکه این امیدواری وجود دارد که در پایان سال ۱۳۵۶ افزایش رشد اقتصادی کشور به ۴۰ درصد بالغ گردد (احسن) و تردید نباید کرد که این رقمی است که در کمتر کشوری سابقه داشته است و لذا باید در بیان عظمت این بودجه عمرانی و رفاهی باز هم به مدد شیفر متوسل بشوم تا آنهایکه نمی‌خواهند بدانند این بودجه چه افتخاراتی دارد چشم دل باز کنند بقول شاعر:

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نا دیدنی است آن بینی

(آفرین)

گر باقلیم عشق روی آری

همه آفاق گلستان بینی

آنچه بینی دلت همان خواهد

آنچه خواهد دلت همان بینی

(احسن)

در مورد وضع کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ باید مشروحاً با استحضار نمایندگان محترم برسانم مطالبی که بیشتر جنبه مقایسه‌ای داشته و همچنین برنامه بسیار اصیل و قاطعی است که با اجرای آن و صرف مبالغ پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۵۴ و از سوی دیگر تا انتهای برنامه پنجم عمرانی کشور ایران از لحاظ پیشرفت‌های کشاورزی و تولیدات کشاورزی خصوصاً در امر تولید گوشت - گندم - مواد لبنی و فرآورده‌های آن با توجه به افزایش جمعیت کشور از هر لحاظ بی‌نیاز خواهد شد و اگر اکنون برای بعضی مواد محتاج وارد کردن است بطور تحقیق در انتهای برنامه پنجم احتیاجی به وارد کردن نخواهد داشت در سالی که گذشت تولید ناخالص ملی با رشدی معادل ۳۳/۸ درصد به قیمت ثابت (سال ۱۳۵۱) به ۱۵۶۳ میلیارد ریال و به قیمت جاری به ۱۷۴۵ میلیارد ریال بالغ گردیده که با توجه به ۳۲ میلیون جمعیت کشور درآمد سرانه به ۵۴۵۴۰ ریال رسید.

در سال ۱۳۵۲ ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت به ۲۲۲ میلیارد ریال بالغ گردید و از رشدی معادل ۶ درصد (۴/۸ درصد برای محصولات زراعی و ۶/۲۵ درصد برای محصولات دامی) برخوردار شد. مساحت کشت آبی ۳/۹ میلیون هکتار و مساحت کشت دیم ۵/۶ میلیون هکتار بر آورده شده است.

مقدار بارندگی در سال آبی ۵۳ - ۵۲ (از مهرماه ۵۲ لغایت شهریور ۱۳۵۳) معادل ۴۵۹/۵ میلیارد متر مکعب محاسبه شده که نسبت به متوسط ۶ سال اخیر معادل ۹ درصد افزایش داشته است متأسفانه توزیع بارندگی بخصوص در نواحی غرب کشور در ماه‌های مهر - آبان و آذرماه ۱۳۵۲ و در اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۵۳ نسبت به معدل ۶ سال آبی گذشته در ماه‌ها مشابه نقصان داشته و باعث شد که تولید گندم کشور به ۴/۷ میلیون تن برسد و از رشدی معادل ۲ درصد برخوردار گردد در حالی که تقاضا برای گندم ۳/۵ درصد بوده است.

بطور کلی در سال گذشته و در سال جاری با افزایش سریع درآمد و بهبود تغذیه، افزایش تقاضا برای محصولات زراعی و فرآورده‌های دامی بترتیب ۹ درصد و ۱۸ درصد و بطور متوسط برای محصولات غذایی اساسی ۱۲ درصد بوده است در حالی که رشد بخش کشاورزی بیش از ۶ درصد بوده و اجباراً مقادیر زیادی مواد غذایی از خارج وارد شده است و این اختلاف بین تولید در داخل کشور و واردات کمبود بیشتر نیز خواهد شد زیرا نمیتوان جامعه پیشرفته امروزی را از تغذیه بهتر محروم نمود.

باتوجه به مقدمه فوق سیاست دولت در زمینه کشاورزی بشرح زیر خلاصه میشود:

۱- افزایش تولید مواد کشاورزی و دامی از طریق سرمایه‌گذاری عمقی مستقیم و غیر مستقیم دولت و جهت دادن منابع مالی بخش عمومی و خصوصی به بخش کشاورزی.

۲- بهره‌برداری از منابع آب و خاک و مراعات و جنگل‌ها و آبریزان به نحوی که ضمن تحصیل حد اکثر استفاده معقول از منابع موجود موجبات احیاء و نگهداری این ثروتهای ملی برای نسل‌های آینده فراهم گردد.

۳- کاهش کم کاری در مناطق روستائی از طریق تأکید بیشتر به کشاورزی عمقی با شیوه‌های جدید و پیشرفته و از بین بردن تنگناها از طریق استقرار صنایع در روستاها بخصوص صنایع تبدیلی فرآورده‌های کشاورزی توسعه و ترویج صنایع دستی و فعالیتهای غیر کشاورزی تلفیق زراعت و دامداری، عمران اراضی بایر و مراعات و ایجاد مجتمع‌های صنعتی دامداری و نوسازی روستاها، سیاستهای اجرایی کشاورزی عبارتند از:

الف- سیاست زمین‌داری

۱- عضویت زارعان و کشاورزان در شبکه تعاونیها و باشکتهای سهامی زراعی.

۲- واحدهای تجارتنی و مکانیزه خصوصی مورد توجه و تشویق خاص قرار خواهند گرفت و سرمایه‌گذاری در این واحدها از طریق کمکهای فنی، مالی و اعتباری دولت مورد توجه بیشتری واقع خواهد شد و تا ۶۰ درصد کل سرمایه‌گذاری وام داده میشود.

۳- ایجاد واحدهای کشت و صنعت اعم از خصوصی یا دولتی و یا مختلط به ترتیبی که دانش پیشرفته کشاورزی را همراه با سرمایه گذاری سنگین در راه افزایش و بهبود تولیدات و عرضه بهتر فرآورده‌ها به بازار بکار گیرد تشویق خواهد شد و مورد حمایت دولت قرار خواهد گرفت.

۴- کشاورزی صنعتی جایگزین کشاورزی سنتی خواهد شد و موجباتی فراهم خواهد گردید تا در محدوده مناطق آبیاری شده از آب‌سدها و یا گروه چاه‌های عمیق که با سرمایه گذاری دولت ایجاد گردیده و یا ایجاد خواهد گردید قطعات اراضی پراکنده و نامنظم هر یک از مالکین و متصرفین به قطعه یکپارچه و واحدی که حدود آن منطبق باشد شبکه آبیاری و راه‌های سرویس باشد تبدیل گردیده و در واحدهای اقتصادی یکپارچه که مساحت آن بر مبنای طرح جامعی که برای هر منطقه تعیین و اعلام میگردد بساحد اعلاای کارآئی از نظر اعمال شیوه های کشاورزی پیشرفته و عمقی مورد بهره برداری قرار گیرد.

ب- سیاست بهره‌وری از سرزمین بر مبنای اقتصاد آزاد و اعمال مکانیزم‌های ارشادی تولید محصولات کشاورزی و دامی در مناسبترین منطقه کشور و در جهت تولید مواد غذایی اساسی مورد نیاز کشور هدایت خواهد شد و در این زمینه طرح‌های جامع تولید و توسعه پروتئین حیوانی کشور - طرح جامع برنامه کشت سالانه کشور - طرح‌های جامع صنایع و سردخانه های وابسته به کشاورزی تهیه خواهد شد و در قالب آن برای هر منطقه طرح‌های جامع توسعه منطقه‌ای شامل طرح جامع توسعه منابع آب و خاک - کشاورزی و دامپروری - توسعه جنگلها و مرتعداری - طرح جامع نوسازی و عمران منطقه‌ای در هر یک از قطب‌های توسعه کشاورزی تدارک می‌گردد.

پ- سیاست سرمایه گذاری : سرمایه گذاری دولت در بخش کشاورزی متوجه عملیات زیربنائی مانند تسطیح - ایجاد شبکه های آبیاری و زه کشی و تأمین خدمات مختلف مورد نیاز کشاورزان بوده و سعی خواهد شد که بخش خصوصی سرمایه گذاری در کشاورزی ترغیب شوند و در مواردی که بخش خصوصی سرعت

مورد لزوم جامعه امروزی کشور اقدام سرمایه گذاری در کشاورزی نمایند دولت در واحدهای کشت و صنعت و مجتمع‌های شیره گوشت دولتی و مختلط و همچنین برای ایجاد واحدها و بهره برداریهای نمونه بمنظور راهنمایی بخش خصوصی و یا در مناطق خاص کشور که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی چنین اقدامی ضروری باشد سرمایه گذاری خواهد کرد و پس از اینکه اینگونه واحدها به مرحله بهره برداری رسید و انتفاعی بودن آن تضمین شود سهام دولت بتدریج به کارکنان واحدها و بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

ت- سیاست اجرائی و اعتباری: نیل به رشد سریع ۷ درصد بخش کشاورزی امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه يك سلسله تحولات بنیادی در طرز فکر و برداشت و بالتبع در اساس قوانین، مقررات، ضوابط و تشکیلات مؤسسات و سازمانهای اجرائی، خدماتی و اعتباری ایجاد گردد به ترتیبی که انگیزه‌های لازم برای جذب مؤثر نیروی انسانی کاردان و ایجاد تحول و جهش در بخش کشاورزی و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و دولتی در فعالیتهای کشاورزی بوجود آید و سایر فعالیتها مؤثر در پیشبرد هدفهای کشاورزی مانند راه‌سازی - احداث بنادر و تأمین وسائل حمل و نقل - احداث شبکه‌های اصلی آبیاری، توسعه و گسترش برق در روستاها - احداث انبارها و ساختمانهای لازم و ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی نیز متناسباً توسعه و گسترش یابد.

بمنظور تشویق و افزایش سرمایه گذاری ثابت در فعالیتهای کشاورزی و تأمین تنخواه گردان لازم برای سرمایه در گردش بهره برداریهای کشاورزی و امه‌های طویل مدت - میان مدت - کوتاه مدت با بهره‌های مناسب در اختیار کشاورزان و بهره برداران قرارداد خواهد شد.

ث- سیاست بازاریابی و تضمین حداقل قیمت. در راه کمک به بالا بردن سهم تولیدکننده از قیمتی که مصرف کنندگان نهائی محصولات کشاورزی میپردازند کاهش دخالت واسطه‌ها و بهبود امور بازاریابی مورد توجه قرار دارد و یا ایجاد وسائل و تأسیسات هر چه بندی بسته بندی نگهداری در سردخانه‌ها - حمل و نقل - صنایع

تبدیل - میادین منظم کمک‌های فنی و مالی بصورت وام و بلاعوض تخصیص خواهد یافت.

برای رفع نگرانی تولیدکننده از نوسان شدید قیمتها و تأمین ایمنی اقتصادی برای آنان قیمت خرید تعدادی از فرآورده‌های اصلی کشاورزی تعیین و تضمین خواهد شد و در تعیین سودی معادل ۲۰ درصد سرمایه گذاری ثابت در بهره برداریهای کشاورزی در نظر گرفته میشود و با توجه به تولید مطلوب هر محصول در هر یک از مناطق و محاسبه هزینه‌های متعارف مناطق و شرایط اقلیمی مربوطه و مقایسه با عوامل مؤثر در تعیین قیمت محصول در بازارهای جهانی و اثرات متقابل قیمت‌ها در انواع محصولات کشاورزی

قیمت بنحوی تعیین میشود که کشت محصولات کشاورزی در مناطق مستعد متمرکز شده و محصولات غذایی اساسی مورد نیاز کشور به مقدار حداکثر ممکن تولید گردد و برای تولیدکننده حوض مناسبی تأمین نماید در جهت حمایت مصرف کننده و جلوگیری از افزایش قیمتها دولت در مورد بعضی از اقلام محصولات تولیدی مانند گوشت، گندم - شیر، روغن نباتی - قند و شکر - خوراک دام و طیور با قیمت بیشتری محصول را از تولیدکنندگان خریداری و به قیمت ارزان در اختیار مصرف کنندگان قرار میدهد و در چند مورد نیز عوامل تولید را مانند کود شیمیائی و بذر به بهائی کمتر از يك پنجم قیمت تمام شده در اختیار تولیدکنندگان میگذارد و مشوق لازم برای افزایش تولید محصولات کشاورزی را فراهم نموده است در اجرای این سیاست ضرر دولت در سال ۱۳۵۳ برای گوشت قرمز ۳/۲ میلیارد ریال و برای غلات ۷/۴ میلیارد ریال و برای قند و شکر ۳/۷ میلیارد ریال و برای کود شیمیائی ۵/۶ میلیارد ریال بوده است.

این سیاست در سال ۱۳۵۴ نیز ادامه داشته و پیش - بینی میشود که ضرر دولت برای گوشت قرمز به ۶ میلیارد ریال و برای غلات ۸ میلیارد ریال و برای قند و شکر به ۵ میلیارد ریال و برای کود شیمیائی به ۱۰ میلیارد ریال بالغ گردد.

ج - سیاست ذخیره سازی. در اجرای سیاست تأمین مواد غذایی پیش بینی میشود که در مورد غلات و حبوبات - معادل مصرف چهار ماه در مورد گوشت سانیانه ۶۰ هزار

تن و در مورد تخم مرغ ۲ هزار تن بیش از مصرف در کشور ذخیره شده و بدینوسیله از نوسان عرضه محصول جلوگیری بعمل آید در این زمینه نسبت به ایجاد سیلو و انبار و سردخانه مورد نیاز اقدام میگردد.

چ- سیاست بیمه محصولات کشاورزی و دامی بر بنای مقرراتی که تدوین شده است در سال آینده به مرحله اجرا در میاید و بتدریج موجبات بیمه محصولات عمده کشاورزی و دامی در مقابل مخاطرات تهری و همگانی فراهم میشود.

ح - در زمینه شناخت منابع تولید کشاورزی و مسائل مربوطه منجمله مسائل بنیادی - اجتماعی و اقتصادی روستاها و عوامل مؤثر در افزایش بازده محصول تحقیق و بررسی بعمل آمده و نتیجه تحقیقات علمی و فنی بداخل روستا و واحدهای بهره برداری رسوخ داده میشود تا کشاورزی صنعتی و علمی جایگزین کشاورزی سنتی بشود.

باجرای سیاستهای فوق الذکر و اجرای طرحهای افزایش تولید و سایر کمکهای فنی و مالی که دولت در بهبود و توسعه کشاورزی انجام داده درده سال گذشته میزان تولید محصولات کشاورزی به چند برابر افزایش یافته است و در ۲ سال اخیر رشد محصولات دامی به ۲ تا سه برابر افزایش یافته است تا اینجا در مورد وضع کشاورزی و سیاست‌های کشاورزی مطالبی باستحضارتان رساندم و اینک میپردازم به توضیحات بیشتری در اطراف بودجه وزارت تعاون و امور روستاها.

همان طوریکه در مقدمه غرایضم باستحضار نمایندگان محترم مجلس شورای ملی رسید بودجه عظیم سال ۱۳۵۴ که صد درصد بودجه رفاهی و ضد تورمی و بودجه عمران و آبادی و پیشرفت شهرها و روستاهای ایران و وظیفه مهمی بهمهده وزارت تعاون و امور روستا بالاخص در امر نوسازی روستاها قرار داده است. در اینجا باید عرض کنم که این وزارت خانه عظیم که روزی در ابتدای کارش اصلاحات ارضی و پیاده کردن منشور اول انقلاب در سطح ۶۷ هزار واحد روستائی ایران و جزء یکی از سازمانهای وزارت کشاورزی بود در دوران شکوفان انقلاب و در زمان دولت خدمتگزار

هویدا تبدیل به وزارت تعاون و امور روستاها شد که جادارد از هم‌مسلك عزيز جناب آقای دکتر عبدالعظيم وليان سرباز فداكار شاهنشاه آريامهر استاندار خراسان و نایب‌التوليه آستان قدس رضوی که مدت هفت سال در رأس این وزارتخانه خدمات ارزنده و صادقانه و شایسته‌ای بالاخص در امر شروع و پایان دادن کامل اصلاحات ارضی ایران انجام داده و يك خدمتگزار شاهنشاه آريامهر و ملت ایران و بالاخص کشاورزان عزيز بوده و هستند ذکر خير و يادآوری نموده (صحیح است) با تشکر از خدمات ارزنده ایشان توفيق خدمتگزارى بیشتر جناب آقای دکتر وليان رابه شاهنشاه آريامهر و امام هشتم شيعيان عليه السلام و ملت ایران و خطه زرخيز خراسان از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌نمایم (احسن است) همه حضار محترم عمیقاً استحضار دارند که سر لوحه انقلاب عظیمی که از ششم بهمن ماه سال ۱۳۴۱ به فکر واراده رهبر عالیقدر ملت ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه آريامهر در این مملکت آغاز گردید، «الغناء رژیم ارباب ورعیتی و اصلاحات ارضی» بوده است که در نتیجه، اکثریت عظیم روستائیان این مملکت از زنجیر استثمار اربابان و مالکان نجات یافت. در خصوص اهمیت این اصل انقلابی، کافست که رهبر بلند پایه و جهان بین ملت ایران، پس از گذشت سالها اجرای آن را بزرگترین واقعه دوران زندگی خود دانسته‌اند. دولت حزبی که در همه حال افتخار اجرای نیات عالی شاهنشاه آريامهر را به عهده داشته است، از طریق وزارت اصلاحات ارضی، که بعدها بر حسب ضرورت به وزارت تعاون و امور روستاها تغییر نام پیدا کرد، اجرای اصل اول انقلاب را با قاطعیت تمام آغاز نمود و این افتخار غرور آمیز را بیافت که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آريامهر، در پیام اول مهرماه سال ۱۳۵۰، به مناسبت روز دهقان، پایان دوره تقسیم اراضی مزروعی میان کشاورزان را اعلام و ابلاغ فرمودند، که دیگر زارعی وجود ندارد که مالک زمین و نسق زراعی خودش نشده باشد. ولی اجرای قوانین و مقررات اصلاحات پایان راه نبود. بلکه پلی بود استوار که میلیونها خانوار روستائی شریف را از دریای سیه‌بخنی، ناامیدی و فقر

به اقبانوس بیکرانی از آزادی، خوشبختی و امیدسوق داد. اقبانوسی که غرور ابدیش در قالب امواج کف آلود، سنگ خارا را خرد و ناچیز می‌نماید. و این بدیهی است که قلب روستائی از بند رسته ایرانی فقط به مهر شاه می‌طبد، و حال به بینیم که این دولت خدمتگزار با الهام از نیات و قوانین ابر رهبر ملت ایران، در این اقبانوس خوشبختی و آرام چه مواهبی را به روستائیان آزاد شده ارزانی داشته:

۱- از آغاز اجرای قانون اصلاحات ارضی با ایجاد سازمان مرکزی تعاون روستائی نهضت تعاون را، که خصائص دیرینه ملت کهن ایران است، به عمق روستاها برد تا خلاء اقتصادی ناشی از بیرون راندن مالک از سطح روستا را با تشکیل روستائیان در شرکتهای تعاونی روستائی پر کند و برای اولین بار به آنها این امکان داده شود که خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند.

۲- با تغییر نام بانک کشاورزی ایران به بانک تعاون کشاورزی و تغییر وظائف آن به روستائیان امکان داده شد از آن بعد برای تأمین نیازهای مالی خود بجای مراجعه به افراد باخوار و بیا پیش فروش محصول خود به بهائی ناچیز به افراد سلف خرد و دلال، با خیالی راحت به بانکی که خود سهامدارش می‌باشد مراجعه و بمنظور تأمین هزینه‌های کشاورزی اعتبارات مورد نیاز را دریافت نمایند.

۳- با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستائی و یکپارچه شدن اراضی زراعی موجب گردید که تکنولوژی پیشرفت کشاورزی به روستاهای ایران راه یافته و درآمد سرانه آنها افزایش یابد.

۴- با ایجاد سازمان ترویج و توسعه فعالیتهای غیر کشاورزی موجب احیای صنایع دستی روستائی فراهم گردید. با دادن آموزشها و مسائل فنی لازم، به زنان و مردان روستائی امکان داده شد که بمنظور افزایش درآمد سرانه خود، در ایام فراغت و بیکاری فصلی، به تولید اینگونه صنایع اشتغال ورزند.

۵- بمنظور شکوفان کردن استعدادها و ارتقاء رشد فکری روستائیان خانه‌های فرهنگ روستائی ایجاد گردید تا روستائیان با گرد هم آئی در این خانه‌ها

عضویت تعداد ۲۴۱۴۹۱۶ نفر کشاورز و با سرمایه و ذخایری بالغ بر پنج میلیارد و پانصد و بیست و دو میلیون و هفتصد و هشتاد و پنج هزار و دویست و پنجاه و پنج ریال. تشکیل تعداد ۱۳۴ اتحادیه تعاونی روستائی با عضویت تعداد ۲۷۷۴ شرکت تعاونی و با سرمایه و ذخایری بالغ بر دو میلیارد و چهارصد و هشت میلیون و سیصد و هفتاد و چهار هزار و نهصد و پنجاه و سه ریال. پرداخت مبلغ شصت و شش میلیارد و ششصد و هشتاد و دو میلیون ریال و ام از طریق شرکتهای تعاونی روستائی به کشاورزان عضو شرکتهای.

تهیه و توزیع مقدار ۶۵۲ هزار تن انواع کود شیمیائی و ۳۱۰۰ تن انواع سموم دفع آفات نباتی و ۱۲۵۸۲۰ تن انواع بذر اصلاح شده بومی مرغوب. حفر تعداد ۱۷۰۹ حلقه چاه نیمه عمیق و ۲۹۲ حلقه چاه عمیق و همچنین تعمیر و مرمت تعداد ۵۲۲۹ رشته قنات.

جمع آوری و فروش مقادیر قابل ملاحظه‌ای از محصولات تولیدی کشاورزی عضو تعاونی‌ها.

توزیع مقادیر قابل توجهی مواد مصرفی و کالاهای مورد نیاز کشاورزان.

احداث تعداد ۷۱۸۹ دستگاه ساختمان دفتر کار و فروشگاه و تعداد ۹۸ دستگاه انبار فنی برای شرکت‌های تعاونی روستائی و همچنین تعداد ۶۴ دستگاه انبار فنی برای اتحادیه‌های تعاونی روستائی و ۶۳ دستگاه ساختمان محل سکونت برای سرپرستان حوزه‌های تعاونی روستائی.

تأسیس ۵۹۴۸ جایگاه فروش مواد نفتی و تعداد ۳۹۸۰ واحد فروشگاه مواد مصرفی در روستاهای حوزه عمل شرکتهای تعاونی روستائی و همچنین تعداد ۸۸ فروشگاه مواد مصرفی در مراکز اتحادیه‌ها.

سوم- در زمینه عملیات بانکی و اعتبارات روستائی: خوشختانه اقدامات چندساله بانک تعاون کشاورزی ایران در زمینه اعطای انواع وام به شرکت‌های تعاونی روستائی، کشاورزان، زارعین و غیره بحدی چشمگیر و متعثر ثمر بوده است که نتیجه آن بر هیچکس پوشیده نیست.

و آشنائی با فرهنگ ملی - بیش از پیش منشاء خدمت به میهن عزیز خود گردند. اینک با آغاز برنامه عظیم عمرانی پنجاه و پنجم - همزمان با تشریح کمی و کیفی برنامه‌های گذشته - بمنظور تغییر چهره روستائی کشور و کم کردن فاصله درآمد سرانه روستائیان - اقدامات جدیدی از قبیل عمران و نوسازی روستاها - استقرار صنایع غذایی و روستائی در سطح روستاها شروع شده و جادارد گوشه‌ای از اقدامات وزارت تعاون و امور روستاها را - که در جهت تحقق هدفهای فوق‌الذکر بوده است بشرح زیر با استحضار برساند:

اول- در زمینه اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی:

در اجرای مرحله اول قانون اصلاحات ارضی تعداد ۱۶۷۶۱ قریه و ۱۰۵۲ مزرعه اعم از شش‌دانگ و کم‌تراز شش‌دانگ به مبلغ ده میلیارد و چهارصد و هشت میلیون و سیصد و نود هزار و هفتصد و شصت و هفت ریال خریداری و در اختیار ۷۹۹۵۶۹ خانوار زارع گذارده شده است.

در اجرای قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر و مواد الحاقی به آن املاک تعداد ۳۱۸۸۷۸ نفر خرده مالکان مشمول شق فروش به ۱۱۶۰۸۸۱ نفر زارعان فروخته شده و همچنین املاک ۳۱۸۳۴ نفر از مالکان مشمول شق تقسیم، بین ۱۱۱۰۳۳ نفر زارعین صاحب‌نسق تقسیم شده است.

با اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری قراء و مزارع موقوفه عام به زارعین صاحب نسق، تعداد ۵۰۴۴ قریه و مزرعه خریداری و به ۱۳۴۵۳۳ نفر زارع منتقل شده است.

با توجه به تسهیلات پیش‌بینی شده در قانون اصلاحات ارضی، بهای نقدی املاک تعداد ۲۸۶۶ نفر خرده‌مالک به مبلغ نهصد و پنجاه و چهار میلیون و هفتصد و هشتاد و نه هزار و پانصد و هفتاد و پنج ریال پرداخت شده است.

دوم- در زمینه اقدامات اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی روستائی:

تشکیل تعداد ۲۸۰۶ شرکت تعاونی روستائی با

۱- پرداختها:

اعطای ۷۴۹ فقره وام به شرکتهای تعاونی روستائی به مبلغ ۱/۵۹۲ میلیارد ریال.

اعطای ۹۳۱۹۱ فقره وام و اعتبار به کشاورزان غیر عضو شرکتها، به مبلغ ۲/۷۸۲ میلیارد ریال.

پرداخت تعداد ۵۸۷۱۳ فقره وام انفرادی به اعضای شرکتهای تعاونی روستائی، به مبلغ ۱/۷۳۷ میلیارد ریال.

پرداخت تعداد ۴۷۸۸۴ فقره وام، از محل اعتبارات طرح نظارت شده، به مبلغ ۴/۵۷۰ میلیارد ریال.

اعطای ۸۰۲۴ فقره وام متفرقه به مبلغ تقریبی ۶۹ میلیون ریال.

۲- وصولیها:

وصولی از شرکتهای اتحادیههای تعاونی روستائی بابت اقساط طرحهای گذشته، به مبلغ ۱/۳۴۴ میلیارد ریال.

وصولی بابت وامهای انفرادی اعضای شرکتها، افراد غیر عضو و همچنین وصولی بابت وامهای نظارت شده مبلغ ۳/۳۷۶ میلیارد ریال.

۳- پس انداز:

در پایان مهرماه سال جاری تعداد حسابهای پس انداز بانک به ۶۸۸۳۸۱ حساب و مبلغ موجودی حسابها بالغ بر ۷۹۰ میلیون ریال گردیده که در مقایسه با ارقام مشابه پایان مهرماه سال قبل به ترتیب ۶۱۹۲۸ حساب و ۳۶ میلیون ریال بیشتر بوده است.

علاوه بر این بمنظور ایجاد تسهیلات و امکانات بیشتر در زمینه اعطای وام و اعتبار لایحه تأسیس بانکهای منطقه ای تهیه گردیده که هم اکنون در مراجع ذیربط تحت بررسی است و بمحض آماده تقدیم مراجع قانونگزاری خواهد شد.

چهارم- در زمینه تأسیس و گسترش شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی تولید روستائی:

۱- در اجرای وظائف قانونی وزارت تعاون و امور روستاها از سال ۱۳۴۶ تاکنون ۶۵ شرکت سهامی زراعی و از سال ۱۳۵۱ تاکنون نیز ۲۴ شرکت تعاونی روستائی تشکیل شده است.

۲- ۶۵ شرکت سهامی زراعی و ۲۴ شرکت تعاونی

تولید روستائی - ۶۵۱ (ششصد و پنجاه و یک) قریه و مزرعه در مساحتی بالغ بر ۲۷۷/۷۵۱ (دویست و هفتاد و هفت هزار و هفتصد و پنجاه و یک) هکتار زمین را در بر گرفته و بیش از ۲۸۹۳۴ (بیست و هشت هزار و نهصد و سی و چهار) خانوار از کشاورزان و زارعان از خدمات و مزایای این شرکتهای استفاده نموده اند.

۳- در هر شرکت سهامی زراعی یا تعاونی تولید روستائی یک شهرک باناسیسات و ساختمانهای مورد نیاز ایجاد شده و یادردست تکمیل است تأسیسات و ساختمان رفاهی از قبیل درمانگاه - دبستان - دبیرستان - خانه فرهنگ روستائی - آب و برق و سایر تأسیسات رفاهی انجام شده است.

۴- در شرکتهای مذکور خدمات زیربنائی توسعه کشاورزی شامل احداث انهار آبرسانی فنی - تسطیح - ایجاد جادههای روستائی و سرویس - مرمت و اصلاح قنوات همچنین توسعه منابع آب و سایر اقدامات زیربنائی و مهم در دست انجام قرار گرفته است.

۵- در امر کشاورزی و زراعت ضمن توسعه کمی از نظر کیفی و بالا بردن محصول موفقیت هائی بدست آمده بنحوی که با مقایسه با قبل از تشکیل این شرکتهای پیش از ۱۸٪ سطح کشت ۶/۷۷٪ میزان تولید اضافه شده است این شرکتهای در حال حاضر ۱۲۵۰۰۰ (یکصد و بیست و پنج هزار) هکتار تحت کشت سالانه دارند همچنین در زمینه های دامداری و ایجاد واحدهای گاو داری در بعضی مناطق اقدامات قابل توجهی انجام شده است.

۶- در زمینه آموزش افراد برای خدمت در این شرکتهای بخصوص آموزش کشاورزان و فرزندان آنان برای آشنائی با تکنیکهای جدید و ایجاد مهارت با جدت دنبال شده و تاکنون با آموزش حدود ۳۰۰۰ نفر روستا زاده بسیاری از کارهای فنی این واحدها وسیله خود افراد محلی و سهامداران انجام می شود.

۷- از نظر ایجاد صنایع غذایی و کشاورزی و فعالیتهای غیر کشاورزی اقداماتی انجام شده که در سطح این شرکتهای چنین صنایعی استقرار یابد. تاکنون طرحهای بزرگی برای مجتمع های دامداری و صنایع کشاورزی و پرورش ماهی در حوزه عمل شرکتهای سهامی زراعی و

شهبانو، ۱۸ دستگاه بوسیله وزارت آموزش و پرورش و ۲۰ دستگاه بوسیله بخش خصوصی ساخته و تحویل گردیده است. بقیه خانه های فرهنگ روستائی ایجاد شده در ساختمانهای استیجاری و با ساختمانهای واگذاری از طرف شرکتهای تعاونی روستائی استقرار یافته است و چون این ساختمانهای عموماً در وضعیت نامتناسبی می باشند از سال جاری طرحی از محل اعتبارات عمرانی به تصویب رسیده تا نسبت به باز سازی آنها اقدام گردد.

۳- در خانه های مزبور جمعاً تعداد ۱۶۱۷۲۵ نفر روستائی رسماً قبول عضویت نموده و در فعالیتهای مختلف نقش مؤثر و فعالی را ایفا می نمایند.

۴- در مورد استفاده روستائیان از وسائل ارتباط جمعی تاکنون جمعاً ۴۵ باشگاه رادیویی و ۱۴۰ باشگاه تلویزیونی با همکاری سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران تشکیل و مورد بهره برداری قرار گرفته است.

۵- در زمینه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خانه ها، در سال ۱۳۵۲ سه مرکز آموزشی در استانهای فارس - همدان و خراسان تشکیل و جمعاً ۴۵۲ نفر از سپاهیان ترویج و آبادانی دختر قبل از اعزام به خانه ها در مراکز مذکور آموزش های لازم را فرا گرفته اند.

۶- با همکاری وزارت بهداشت جمعاً ۱۴۲ نفر از مددکاران و مروجین دختر آموزش های لازم را در زمینه بهداشت و تنظیم خانواده فرا گرفته اند.

۷- از بدو تأسیس تاکنون جمعاً ۱۳۵ شماره مجله روستا در ۱/۵ میلیون نسخه و تعداد ۲۷۶ شماره آیندگان روستا در ۱۰ میلیون نسخه منتشر و جهت استفاده بین اعضاء توزیع شده است. علاوه بر این در سال جاری با وزارت آموزش و پرورش قراردادی بمنظور خرید ۵۵۰ جلد مجله بیک منعقد گردیده که نسخه از آن هر ۱۵ روز یکبار بخانه ها ارسال می گردد. همچنین با خرید ۲۲۰۰ جلد کتاب از وزارت آموزش و پرورش و ارسال آن به خانه ها در راه تکمیل کتابخانه های خانه های فرهنگ اقدام مثبتی برداشته شده است.

۸- با استفاده از ۱۰ دستگاه واحد سینمای سیار سازمان و ۱۲ دستگاه واحد سینمای سیار سازمان مرکزی

تعاونیهای تولید روستائی مورد بهره برداری قرار گرفته است.

با این اقدامات در زمینه تحصیل درآمدهای بیشتر و بالا رفتن سطح زندگی روستائیان در حوزه عمل این شرکتهای موفقیت های چشم گیری نصیب شده و در اغلب شرکتهای درآمد کشاورزان افزایش قابل ملاحظه ای یافته و بطور متوسط به ۲ تا ۴ برابر رسیده است.

پنجم - در زمینه تشکیل خانه های فرهنگ روستائی فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، مبنی بر تأسیس انجمن ملی خانه های فرهنگ روستائی به ریاست عالی و الاحضرت همایون ولایتعهد در تاریخ بیست و سوم شهریور ماه ۱۳۴۷ شرفصدور یافت، تا بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی و ایجاد امکان پرورش استعداد های ورزشی و هنری و فنی روستائیان کشور و ضرورت ارشاد و افکاو آنان، در جهت برنامه های آبادانی مملکت و تقویت حسن مسئولیت اجتماعی و گسترش اصول و اندیشه تعاونی و عادت به خدمات جمعی و بسط ارتباط میان روستاهای همجوار و همچنین بمنظور آگاهی روستائیان به فرهنگ و سنن ملی و اصول انقلاب سفید ایران با توجه به فرهنگ و تمدن جهان امروز که از لوازم پیشرفت دنیای کنونی می باشد، خانه های فرهنگ روستائی ایجاد گردد.

۱- چون اولین شرط نبل به هدفهای مندرج در فرمان همایونی داشتن محلی است که بتوان روستائیان را در آن جمع نمود، لذا توسعه کمی خانه های فرهنگ روستائی در اولویت اول قرار گرفت، بنحوی که تا پایان سال ۱۳۵۲ تعداد این خانه ها به ۱۰۰۰ واحد رسید و با توجه به توسعه که شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی تولید روستائی این تعداد تا پایان سال ۱۳۵۳ به ۱۰۵۲ واحد خواهد رسید.

۲- تعداد ۳۶۳ واحد از خانه های فرهنگ روستائی ایجاد شده دارای ساختمانهای متناسب شامل محل برای برای استقرار مهد کودک، اطاق تغذیه هنرهای دستی، کتابخانه، دفتر و سالن اجتماعات و وسائل ورزشی بوده که از این تعداد دودستگاه از محل عطیه علیا حضرت

تعاون روستائی - در تمام خانه‌ها اقدام به نمایش فیلمهای ملی میهنی و آموزشی شده است.

۹- در پلاژ روستا زادگان که ساختمان آن در سال ۱۳۵۱ شروع و در سال ۱۳۵۲ مورد بهره برداری قرار گرفت جمعا یک هزار و پانصد و پنجاه نفر از جوانان عضو خانه‌های فرهنگ در فصل دریا پذیرائی گردیده در عین حال آموزشهای لازم را فرا گرفته‌اند.

ششم - در زمینه ترویج و توسعه فعالیتهای غیر کشاورزی و استقرار صنایع در روستاها :

بمنظور افزایش درآمد روستائیان و کم کردن فاصله در آمد آنها با جوامع شهر نشین - تبدیل محصولات کشاورزی - استفاده از ایام فراغت و بیکاری روستائیان سوق قسمتی از نیروی انسانی فعال روستائی به صنعت و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه آنها بشهرها در برنامه پنجم عمرانی کشور پیش‌بینی گردیده که در جهت تحقق هدفهای فوق پاره‌ای از صنایع غذایی و غیر کشاورزی مورد نیاز کشور بسطح روستاها انتقال یابد. چون این وظیفه خطیر بعهده وزارت تعاون و امور روستاها محول شده بود. بمنظور خرید ماشین آلات مورد نیاز قراردادهائی با کشورهای مختلف منجمله بلغارستان - یوگسلاوی - رومانی - ژاپن و مجارستان منعقد گردید که بموجب آن کارشناسان فنی این کشورها بترتیب به ایران وارد و پس از انجام بررسی‌های لازم پیشنهادات خود را اعلام نموده و نتیجه این بررسیها منجر به امضای هفت فقره قرارداد های اجرائی با مؤسسه تکنواکسپرات بلغارستان چهار قرارداد با مؤسسه آگروانداستریا یوگوسلاوی گردید.

۳- طرحهای پیشنهادی کارشناسان رومانی :
در اجرای موافقتنامه متبادله بین وزارت تعاون و امور روستاها و وزارت کشاورزی و منابع آب دولت جمهوری سوسیالیستی رومانی کارشناسان آن کشور بایران وارد و از مناطق مورد عمل شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستائی و شرکتهای اتحادیه‌های تعاونی روستائی در استانهای مرکزی گیلان ، مازندران ، آذربایجان شرقی ، فارس و کهگیلویه و بویراحمد بمعیت کارشناسان ایرانی بازدید بعمل آوردند و گزارشات مقدماتی خود را در زمینه اجرای پروژه‌هایی در سطح

روستاها و مناطق مزبور برای احداث تاکستان ، مزرعه گل باغ میوه و سبزی و گوشت ، کارخانه شیر باستوریزه و لبنیات بظرفیت ۱۵ تن شیر در روز ، کارخانه یخساز ی بظرفیت ۶ تن یخ در روز و کارخانه کنسرو میوه و سبزی و گوجه فرنگی بظرفیت ۳۰۰۰ تن محصول در سال تسلیم داشتند. پیشنهادات مذکور توسط مسئولین و کارشناسان وزارت تعاون و امور روستاها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به عوامل مربوط طرحهای مربوط به کارخانه کنسرو سازی ، آرد سازی ، سردخانه و تهیه یخ ، کارخانه غذای دام و کارخانه لبنیات در اولویت قرار داده شد.

۴- پیشنهادات کارشناسان ژاپنی :

در اجرای قراردادی که در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۲ از طرف وزیر تعاون و امور روستاها و وزیر کشاورزی و جنگلداری ژاپن امضاء و مبادله گردید ، کارشناسان ژاپنی در سه گروه فنی مرکب از کارشناسان چایکاری و صنعت چای ، کارشناسان توسعه و ترویج توستانها و تولید پيله کرم ابریشم و ابریشم کشی ، کارشناسان تکثیر و پرورش ماهی در آب شیرین به ایران وارد و پس از بازدید از مناطق روستائی استانهای مرکزی ، گیلان ، مازندران ، کرمانشاه ، خوزستان ، فارس ، خراسان و اصفهان گزارشهای مقدماتی خود را تسلیم داشتند.

۵- پیشنهادات کارشناسان مجارستانی :

در اجرای پروتکل همکاریهای فنی و اقتصادی بین کشورهای ایران و مجارستان مورخ ۱۰ آوریل مؤسسه کمپلکس مجارستان پیشنهاداتی بشرح زیر به وزارت تعاون و امور روستاها ارائه داده است.

۵- واحد سردخانه بظرفیت ۱۵۰۰ تن ، يك واحد سردخانه ۵۰۰ تنی برای نگهداری میوه و سبزی بصورت پیش ساخته ، واحد یخساز بظرفیت ۵ و ۱۰ تن در روز ، واحد تهیه آب لیمو بظرفیت ۳ تن در ساعت برای منطقه میناب ، واحد تهیه رب گوجه فرنگی به ظرفیت ۳ تا ۶ تن در ساعت .

۶- سایر صنایع روستائی و فعالیتهای غیر کشاورزی :
احداث ۱۰ واحد کارخانه تولید آجر ساختمانی در محل ده شرکت سهامی زراعی و تعاونی و تولید روستائی و شرکتهای تعاونی روستائی

در مورد واحدهای تولید آجر که قرار است در محل شرکتهای سهامی زراعی بمبور و جیرفت احداث گردند ، تشریفات مناقصه و واگذاری کارهای اجرائی به پیمانکاران انجام گرفته است.

احداث يك واحد تصفیه و بسته‌بندی عسل در شرکت تعاونی روستائی قریه شام‌اسبی اردبیل با ظرفیت ۱۰۰ تن عسل در سال است.

احداث يك واحد تولید روغن زیتون در حوزه تعاونی روستائی طارم سفلی قزوین با ظرفیت ۱۰۰۰ تن زیتون در سال ، احداث يك واحد تولید آبلیمو در اتحادیه تعاونی روستائی میناب (قریه شیخ‌آباد) با ظرفیت ۱۸۰۰ تن لیمو در سال و احداث دو واحد یخساز در شرکتهای سهامی زراعی جیرفت کرمان و بمبور سیستان و بلوچستان با ظرفیت هر يك ۵ تن یخ در روز.

در مورد اجرای کلیه پروژه‌های فوق‌الذکر نسبت به عملیات انتخاب زمین و تعیین مشخصات فنی بمنظور انجام مناقصه و خرید ماشین آلات اقدام لازم بعمل آمده است.

احداث و بهره‌برداری از ۱۹ کارگاه قالبیایی بظرفیت ۱۷۲ دستگاه دار قالبیایی در روستاهای حوزه عمل شرکتهای تعاونی روستائی .

۷- برنامه‌های آموزشی :

آموزش ۱۵۳۲ نفر از روستائیان در کارگاههای قالبیایی ، ۴۷۹ نفر در کارگاههای خیاطی ۹۵ نفر در کارگاههای ساخت شیشه و سرامیک ، ۳۰ نفر در کارگاههای حصیر بافی ، ۳۰ نفر در کارگاههای بامبو بافی ، ۹۰ نفر در امور قلاب بافی ، ۲۲۰ نفر در امور سوزن‌دوزی ، ۵۴ نفر در امور قلاب‌دوزی و دوگمه‌دوزی ، ۲۳۵ نفر در کارگاههای پارچه بافی و ۱۵ نفر در کارگاههای ابریشم بافی از جمله اقدامات آموزشی است که به خانواده‌های روستائی عضو شرکتهای تعاونی روستائی ، در سراسر مملکت ، داده شده است ، در زمینه آموزش صنایع غذایی نیز تعداد ۱۹ نفر روشهای علمی و بهداشتی تهیه فرآورده های مواد غذایی را فرا گرفته‌اند ، همچنین بمنظور تربیت افراد برای ارائه خدمات فنی در روستاها ، تاکنون ۱۱۰ نفر از جوانان داوطلب روستائی در مناطق

مختلف کشور انتخاب و پس از طی دوره های تربیت کارگر ماهر و چندپیشه به روستاهای خود مراجعت نموده و هم‌اکنون ۳۵ نفر دیگر نیز در حال گذراندن دوره مزبور میباشند .

۸- برنامه مطالعات و بررسیها :

با همکاری کارشناسان بین‌المللی کار وابسته به برنامه عمران سازمان ملل متحد تحقیقات و بررسیهای بشرح زیر بعمل آمده است .

بررسی وضع درآمد و نیروی انسانی در روستا های استانهای مرکزی ، آذربایجان شرقی ، کرمان ، کردستان ، خراسان ، سیستان و بلوچستان ، همدان ، خوزستان ، ساحلی ، گیلان ، اصفهان ، مازندران .

امکان‌پذیری اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری در روستا های مناطق عمل شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستائی و اتحادیه‌های تعاونی روستائی نقاط مختلف کشور با توجه بدسترسی بعوامل زیربنائی اقتصادی و اجتماعی و منابع طبیعی از نظر مواد اولیه و منابع انرژی .

بررسی روشهای تولید صنایع دستی و صنایع مربوط به پشم ، ابریشم ، پنبه ، نساجی دستی و قالبیایی و گلیم بافی بمنظور تعیین روشهای بهتر در جهت بهبود کیفیت کالاهای تولیدی سنتی و بالابردن ارزش افزوده محصولات تولیدی روستائیان .

بررسی امکانات ایجاد شرکتهای تعاونی ساختمانی در مراکز حوزه‌های عمران روستائی . بمنظور استفاده هرچه بیشتر از نیروی انسانی فعال موجود در روستاها برای اجرای پروژه‌های عمرانی .

بررسی وضع بازار صنایع محصولات موجود در روستاها و بررسی امکانات گسترش بازار محصولات دستی روستائی .

هفتم- در زمینه فعالیتهای عمران و نوسازی روستاها .
از اول سال ۱۳۵۱ بر طبق مفاد ماده ۶ قانون عمران و نوسازی روستاها انجام کلیه امور وظایف دولت درباره عمران و نوسازی روستاها با حق اولویت در منطقه عمل شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستائی در حدود اعتبارات و امکاناتی که وسیله دولت برای انجام

این قبیل کارها تخصیص داده شده است به وزارت تعاون و امور روستاها و اگذار گردید .

در سال ۱۳۵۱ وزارت تعاون و امور روستاها موفق شد که با استفاده از مبلغ نه میلیارد و پنج میلیون و هشتصد هزار ریال اعتبار تعداد ۳۵۵۸ پروژه شامل آب آشامیدنی و لوله کشی تأسیسات بهداشتی ، برق دبستان راه روستائی و همچنین تعداد ۱۰۹۲ پروژه نیمه تمام مربوط به پروژه های تأمین آب آشامیدنی ، راه سازی دبستان و تأسیسات بهداشتی سالهای قبل را تکمیل و به اتمام برساند . از سال ۱۳۵۲ در اجرای سیاست دولت در زمینه عدم تمرکز و بر اساس مفاد آئین نامه اجرائی تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون برنامه و بودجه وزارت تعاون و امور روستاها به جنابان آقایان استانداران و فرمانداران کل تفویض نمود تا بر اساس اعتبارات مصوب و با استفاده از امکانات منطقه اقدام لازم را بعمل آورند . اداره کل تعاون و امور روستاها در استانها و فرمانداریهای کل برابر مقررات مربوط به نمایندگی از طرف جنابان آقایان استانداران که مجریان طرحهای مزبور هستند بر اساس موافقتنامه های طرحهای خاص ناحیه از اقدامات انجام یافته فعالیتهای عمران و نوسازی روستاها در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ و همچنین برنامه های پیش بینی شده سال ۱۳۵۴ را به شرح زیر باستحضار میرساند .

الف - اقدامات مربوط به سال ۱۳۵۲ .

بر اساس اعتبارات تخصیص یافته طرحهای تأسیسات زیربنائی جمعاً تعداد ۲۰۳۲ پروژه شامل پروژه های تأمین آب آشامیدنی و لوله کشی ، تأسیسات و ساختمانهای بهداشتی و تأسیسات همگانی و بهسازی محیط و همچنین ۲۸۴۰ کیلومتر راه روستائی در منطقه عمل ۹۱ حوزه عمران روستائی و ۳۰ شرکت سهامی زراعی و روستاهای منفرد (خارج از حوزه عمران) بمرحله اجرا در آمد که از این تعداد پروژه ها جمعاً ۱۰۰۰ پروژه تأسیسات زیر بنائی روستاها و همچنین ۱۹۳۹ کیلومتر راه روستائی خاتمه یافته و تحویل روستائیان شده است و تعداد ۱۰۰۰ پروژه دیگر نیز در شرف اتمام است .

در مورد امور آموزش روستائیان بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات و دانش روستائیان و اعضاء انجمنهای

دهات و شرکت فعالان آنان در اجرای برنامه های عمران و نوسازی روستاها ، حدود ۲۷ هزار نفر از اعضاء انجمنهای دهات در کلاسهای آموزش کوتاه مدت شرکت نموده و تعلیمات لازم را فرا گرفته اند .

ب - اقدامات مربوط به سال ۱۳۵۳ :

بر اساس اعتبارات تخصیص یافته طرحهای عمران و نوسازی روستاها جمعاً تعداد ۱۲۶۲ پروژه تأسیسات زیربنائی روستاها از قبیل تأمین آب آشامیدنی و لوله کشی حمام بهداشتی و غسلخانه و کشتارگاه و ۱۷۷۶ کیلومتر راه روستائی و ۱۱۶ مرکز خدمات درمانی و ۵۳ باب خانه فرهنگ روستائی در منطقه عمل ۶۱ حوزه عمران روستائی و ۳۰ شرکت سهامی زراعی و تعاونیهای تولید و روستاهای منفرد بمرحله اجرا در آمد که پیشرفت متوسط کار آنها آخر آبان ماه حدود ۴۰ درصد میباشد .

در این سال در زمینه آموزش روستائیان نیز ، تاکنون حدود ۱۰۴۲۷ نفر از اعضاء انجمنهای دهات در کلاسهای کوتاه مدت آموزشی شرکت کرده اند .

برنامه های آموزشی مربوط به عمران و نوسازی روستاها .

موضوع آموزش نیروی انسانی در تمام سطوح مورد توجه خاص وزارت تعاون و امور روستاها میباشد .

اقدامات آموزشی که در جهت عمران و نوسازی روستائی بعمل آمده و خواهد آمد بشرح زیر می باشد :

الف : آموزش روستائیان

بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات و دانش روستائیان و اعضاء انجمن های دهات و شرکت فعالان آنان در اجرای برنامه های عمران و نوسازی در زمینه های زیر اقدام شده است :

۱ - برای نگهداری و بهره برداری از تأسیساتی نظیر آب ، برق ، حمام و نظایر آن که در روستاها ایجاد می گردد تعدادی از روستائیان مستعد و داوطلب انتخاب و با استفاده از امکانات و تسهیلات صندوق کار آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی بمدت حدود دو ماه تحت تعلیم حرفه ای قرار می گیرند . در سال ۱۳۵۲ تعداد تعلیم دیدگان در این زمینه ۷۸ نفر بوده و در سال ۵۳ این

تعداد به ۳۰۰ نفر در سال ۵۴ به ۵۰۰ نفر افزایش خواهد یافت .

۲ - برای آموزش اعضاء انجمن های دهات در زمینه وظایف آنان در عمران و نوسازی دهات برنامه های آموزشی خاصی تدوین شده و بمورد اجرا گذاشته میشود . در سال ۱۳۵۲ تعداد بیست و پنج هزار نفر در این زمینه تحت تعلیم قرار گرفته و در سالهای ۵۳ و ۵۴ نیز سالانه در همین حدود آموزش خواهند دید .

ب - آموزش کارکنان

برای افزایش کار آئی کارکنان و ظرفیت اجرائی وزارت تعاون و امور روستاها بر نامه های آموزشی خاصی تدوین و بمورد اجرا گذاشته شده و خواهد شد که اهم آن شرح زیر است :

۱۵۰ نفر دیپلمه های شاغل بر مبنای قراردادی که

با وزارت آموزش و پرورش منعقد شده در زمینه های نقشه برداری و راه سازی تعلیمات لازم را در انستیتیوی تکنولوژی ونک دریافت میدارند . این تعداد در سال ۱۳۵۳ به ۳۰۰ نفر افزایش خواهد یافت .

۷۵ نفر معاونین عمران و نوسازی ، کارشناسان برنامه ریزی استانها در جلسات آموزشی کوتاه مدت برای کسب تعلیمات لازم در زمینه خط مشی های اجرائی شرکت نموده و راهنمایی گردیده اند .

۱۰۰ نفر مهندسين و تکنيسين های جدیدالاستخدام در سال ۱۳۵۳ و حدود ۲۰۰ نفر در سال ۱۳۵۴ در کلاسهای آموزشی و توجیهی کوتاه مدت شرکت خواهند نمود .

۴۰۰ نفر از کارکنان عمران و نوسازی در سطح کشور جهت افزایش کار آئی در زمینه اجرای وظایف خود در سال ۱۳۵۳ و همین تعداد در سال ۱۳۵۴ در کلاسهای آموزشی کوتاه مدت شرکت نموده و خواهند نمود .

هشتم - در زمینه اقدامات انجام یافته سازمان تعاون مصرف شهر و روستا :

سازمان تعاون مصرف شهر و روستا - یکی از بدیده های انقلاب ایران است که در مدتی کوتاه توانسته است در عرصه اقتصاد کشور نقشی مهم و ثمر بخش ایفا نماید . این سازمان در سال ۱۳۵۲ بانه شعبه کار خود را در تهران آغاز نمود . امروز باشبکه های گسترش یافته از کالاهای زارعان و باغداران شمال - این نوید است

فروشگاهی خود در سطح مملکت فعالیت و تلاش می کند و بحق در تعدیل نرخ ها و جلوگیری از بالا رفتن بی رویه قیمت ها بسیار مؤثر بوده است . سازمان تعاون مصرف شهر و روستا در پایان سال ۱۳۵۲ تعداد واحدهای فروشگاهی خود را به یکصد رسانید و در پایان سال ۱۳۵۳ این رقم مضاعف می شود و در شهر تهران تنها دارای ۲۰۰ فروشگاه در نقاط مختلف شهر مخصوصاً مناطقی که مردم در آمد متوسط دارند تأسیس و تشکیل شده است . تا با عرضه مواد غذایی و کالاهای اساسی و قیمت تمام شده در تعدیل قیمت ها مؤثر باشد .

همزمان با گسترش شبکه های فروشگاهی در تهران در شهرستانها نیز فعالیت سازمان چشم گیر و قابل ملاحظه است . بطوریکه هم اکنون در نوار مرزی ایران ۱۲ فروشگاه مجهز دایراست و در شهرهایی مانند شیراز - سمنان - بندر پهلوی - نیشابور - همدان و چند شهر دیگر فعالیت دارد . و کار ساختمانی بقیه فروشگاهها در مراکز استان و سایر شهرها در حال پیشرفت و توسعه است . بطوریکه از لحاظ زمان بندی در پایان برنامه پنجم عمرانی کشور ۴۰۰ فروشگاه در سطح کشور کالاهای مورد نیاز مردم را عرضه خواهد کرد .

این سازمان در عرضه مواد غذایی خریداری دولت که با بمنظور کمبود یا بمنظور تعدیل قیمتها است نقشی عمده دارد منبای مثال در چند ماهه اخیر شاهد و ناظر فعالیت های این سازمان در توزیع برنج و چند مواد غذایی دیگر بوده ایم ، که چگونه در شکستن نرخ ها و متعادل نگه داشتن بازار فعالیت کرده است .

شک نیست که سالها مشتی واسطه و دلال ثروت و دارائی باغداران شمال را بیغما و تاراج مینمودند - امسال در اجرای سیاست خاص اقتصادی دولت و بمنظور کوتاه کردن دست واسطه و سلف خر و به تبعیت از برنامه های وزارت تعاون و امور روستاها بابت به خرید مرکبات مناطق شمال نمود . و با این اقدام خود که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ایران فقط یکبار ولی همیشه دست واسطه را کوتاه میکند درخور توجه و امعان نظر است - امیدیم که با اجرای این برنامه در بازه یکی از کالاهای زارعان و باغداران شمال - این نوید است

که به سرعت و در آینده نزدیک تمام محصولات کشاورزان آزاد شده شمال بوسیله دولت خریداری شود. تنها بالا رفتن قیمتها کمبود مواد غذایی یا عدم تعادل عرضه و تقاضا نیست بلکه وجود عده‌ای از افراد است که بدون سرمایه‌گذاری وارد بازارهای کشور میشوند و با استفاده از موقعیت خاص زارعان کالا را از تولیدکننده به قیمت ارزان خرید و با قیمتی گران بدست مصرف کننده می‌رسانند. و از این رهگذر سودی معتابه که شاید برابر یا بیشتر از بهائی باشد که تولیدکننده ظرف یکسال تلاش بدست می‌آورد بدست آورده است.

تأمین نیازمندیهای روستائیان یکی دیگر از برنامه‌های وزارت تعاون و امور روستاها است که سازمان مورد بحث این نیازمندیها را که مربوط به ۶۰٪ از جمعیت این کشور است تدریجاً انجام خواهد داد. وقتی سخن از فعالیت و زحمات سازمان پیش می‌آید تمام موارد پاپه روشن و مشخص گردد. گفتیم که این فروشگاهها در تعدیل قیمتها مؤثر است. جناب آقای وزیر تعاون و امور روستاها در کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی فرمودند در سفری که در رکاب علیاحضرت شهبانو به حاشیه کویر نموده بودند فرماندار کل سمنان ضمن گزارشی به شرح عرض علیاحضرت شهبانو رسانید که از تاریخ تأسیس فروشگاه شهر و روستا در سمنان قیمت هاتا ۳۰٪ توزیل یافته است. تردید نیست که با این گزارش نقش عمده این سازمان در اقتصاد سالم کشور واضح و هویدا میگردد.

اقدامات چشم گیر و قابل تحسین دیگری که باید در ساحت مقدس مجلس شورای ملی گفته شود تأمین ارزاق و تغذیه پناهندگان در این چندماه بطوری این سازمان توانسته است نیازمندیهای این میهمانان را فراهم سازد که شاهنشاه آریامهر در شرفیابی هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ ایران از وضع تغذیه پناهندگان اظهار مسرت و رضایت فرمودند.

در برنامه مترقی و مبتکر تغذیه رایگان مدارس سازمان تعاون مصرف شهر و روستا سهمی عمده و بسزا دارد و این سازمان است که با توزیع کالاهای خریداری دولت از بنادر و مرزها به مراکز استان و شهرستانها تلاش

و کوشش میکند و طبق اطلاعات واصله در این برنامه هم مانند سایر برنامه‌های خود موفق بوده است.

کمک‌های جنسی که بدستور دولت حزبی برای کارمندان تصویب و به مرحله اجرا درآمده است بسی جای تشکر و سپاسگزاری است. و امروز در شهر تهران میبینیم کارمندان دولت بفروشگاههای شهر و روستا مراجعه و این کمکهای جنسی خود را که از اجناس مرغوب و کالاهای ارزان قیمت است دریافت میدارند.

نهم - در زمینه تعاونیهای شهری غیر کارگری نیز وزارت تعاون و امور روستاها اقدامات وسیعی انجام داده است.

دهم - در زمینه خدمات شرکت دخانیات ایران: همانطور که استحضار دارند شرکت دخانیات ایران یکی از میلیونها یادگار باارزش دوران سلطنت شکوه منسردار نامی ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر می‌باشد (صحیح است). با اطلاعی که نمایندگان محترم از سوابق طولانی خدمات باارزش این شرکت دارند بعلت ضیق وقت از توضیح اقدامات این شرکت صرف نظر میکنم.

مطالب فوق گوشه‌ای است از کارنامه شکوه منسردار دولت حزبی که به تبعیت از نیت عالیه رهبر عالیقدر کشور ایران بوسیله وزارت تعاون و امور روستاها انجام گرفته و بدیهی است با امکانات جدیدی که برنامه تجدید نظر شده عمرانی پنجم و بودجه سال ۱۳۵۴ در اختیار وزارت مذکور قرار خواهد گرفت، آهنگ اقدامات سریعتر خواهد شد و همچنین برنامه‌های جدیدی که تماماً در جهت عمران و آبادانی روستاهای کشور و رفاه و آسایش بیشتر روستائیان می‌باشد، به موقع اجرا گذارده خواهد شد. باشد که ورود به دروازه تمدن بزرگ سریعتر از پیش بینی‌های فعلی بوده و موجب رضایت خاطر خطیر ملوکانه بیش از پیش فراهم گردد. (احسن)

راجع بوزارت راه و ترابری با التفات به برنامه‌های انقلابی دولت حزبی در وزارت راه و ترابری در زمینه وظایفی که این وزارت برعهده دارد، اقدامات وسیعی صورت گرفته است که بدیقین استحضار از آن برای همه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی ضروری مینماید.

۲- در زمینه تجهیز امکانات و وسایل راهسازی و راهداری:

نیروی مکانیزه راهداری و راهسازی تقویت شده است و بالغ بر یک هزار دستگاه ماشین آلات سنگین برای عملیات مربوط به راهسازی و نگاهداری راهها خریداری شده است. همچنین برای سلامت و ایمنی راهها اقدام

بخرید ماشین آلات بر فروری - خط کشی جاده‌ها و علائم سازی شده است. بموازاات تجهیز نیروی مکانیزه برنامه‌های آموزشی برای آموزش اپراتورها و رانندگان تنظیم می‌گردد و در آینده نزدیک نه تنها وزارت راه و ترابری مجهز خواهد بود که بتواند بلحاظ نگاهداری راهها و باز نگاهداشتن آنها در طول سال اقدام اساسی معمول دارد بلکه باین ترتیب قدرت و توان راهسازی نیز خواهد داشت.

راه آهن:

۳- در مورد راه آهن دولتی ایران:

الف- توان و نیروی کشش راه آهن با تجهیز آن به آخرین پدیده‌های تکنولوژی افزایش می‌یابد.

ب- طرحهای اساسی بمنظور برقی کردن خطوط و دوبله کردن آن در دست تهیه است که طرح مسیر تهران - اراک - اندیمشگ - اهواز و بنادز شاپور و خر مشهر بطول تقریبی ۱۰۰۰ کیلومتر بین شرکت‌های بزرگ فرانسوی

آلمان غربی - سویسی و بلژیکی که بصورت یک کنسرسیوم واحد پیشنهاد داده‌اند از یک طرف و کنسرسیوم شرکت‌های ژاپنی از طرف دیگر بمسابقه گذاشته شده است و در مسیر تبریز - جلفا طرحهای مقدماتی آن پایان گرفته که بزودی به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

پ- پروژه مربوط به احداث خطوط راه آهن کرمان - بندرعباس بطول ۷۰۰ کیلومتر بصورت دو خطه برقی تهیه شده و در آینده نزدیک بمناقصه بین المللی گذاشته خواهد شد و از اوائل سال آینده به مرحله اجرا درمی‌آید.

ث- طرحهای مطالعاتی دیگر در مورد برقی کردن در دست اقدام است که از آن جمله خط تهران - تبریز است که بوسیله متخصصین انگلیسی و خطقم، اصفهان است که بوسیله کارشناسان آلمانی مطالعه می‌شود.

ج- بمنظور احتراز از ورود واگنهای باری به ایستگاه

بیان همه اقداماتی که در این وزارت بمنظور تهیه و تجهیز پیوندهای ارتباطی مملکت بلحاظ راهسازی، خطوط راه آهن، بنادر، اعمال شده و میشود چندین ساعت بطول خواهد انجامید، برای احتراز از اطاله کلام و رعایت اختصار شاید بتوان تنها به شمردن رؤس مطالب اکتفاء نمود.

در زمینه راهسازی:

وزارت راه و ترابری در حال حاضر بیش از ۲۰/۰۰۰ کیلومتر راه در دست ساختمان و آسفالت دارد که این رقم بالغ بر یک برابر و نیم طول مجموع راههای سراسری کشور قبل از سال ۱۳۵۲ که معادل ۱۲۵۰۰ کیلومتر بوده است میباشد.

به این ترتیب که:

۱- عملیات ساختمانی حدود ۶۸۰۰ کیلومتر راه که ساختمان آن قبلاً آغاز شده بود ادامه میدهد.

۲- ۷۰۰۰ کیلومتر راه جدید در سال جاری در دست ساختمان دارد.

۳- ۶۰۰۰ کیلومتر روکش آسفالت گرم و سطحی در دست اجراء است.

۴- ساختمان بیش از ۳۶۰ کیلومتر از شاهراههای کشور به مرحله اجرا گذاشته شده و بعلاوه در طول سال جاری ساختمان ۱۱۱۶ کیلومتر راهی که قبلاً آغاز شده بود پایان یافته و تحویل و بهره برداری شده است.

با این ترتیب عنوان اینکه بودجه‌های عمرانی بزعم جناب فرهادپور جذب نمیشود صادق نیست، چرا که در وزارت راه و ترابری با اجراء این برنامه هاتاکنون ۱۰۰ درصد از اعتبار اصلاحی سال ۵۳ راههای اصلی و ۷۰ درصد از راههای فرعی کلا بمصرف رسیده است و با این ترتیب نه تنها باقیمانده ندارد بلکه کمبود اعتبار کاملاً محسوس است.

برای اجرای برنامه‌های آتی در مورد ساختمان راهها مطالعات مربوط به تهیه پروژه‌های اجرایی در حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر راه جدید که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر آن شاهراههای مواصلاتی کشور خواهد بود در دست اقدام است که بتدریج آماده میگردد و عملیات ساختمانی آنها در سال جاری و سالهای باقیمانده از برنامه پنجم دنبال خواهد شد.

تهران و جلوگیری از تراکم بار و هدایت صحیح واگنها در مسیرهای مختلف ایستگاه گارمانوری آپرین (۱) بوسعت ۳۰ میلیون مترمربع در جنوب شهر تهران با قدرت پذیرش تنظیم و اعزام روزانه حدود ۶۰ قطار بطور اتوماتیک بر روی کلیه محورهای خط طراه آهن در تفرق غرب شمال و جنوب احداث می گردد و در این ایستگاه که در درون آن تراک ترمینال حمل و نقل زمینی نیز ایجاد میگردد محوطه وسیعی برای قبول و نگهداری بار اختصاص می یابد که حدود ۲ میلیون مترمربع برای کارهای محوطه ای و ۵۰۰/۰۰۰ مترمربع انبار سرپوشیده ساخته خواهد شد که مناقصه آن انجام گرفته و بزودی شروع می شود.

ج - بمنظور بهبود وضع مسافربری و استفاده از آخرین سیستم های موجود در دنیا خطوط مسیر تهران - مشهد در دست تعمیر و اصلاح است تا فروردینماه ۵۴/ قطارهای توربو ترن در این خط می تواند بجای حدود (۱۷) ساعت در کمتر از ده ساعت این مسیر را طی کند.

ح - در زمینه تجهیز راه آهن بلحاظ تدارک ماشین آلات جدید برای احداث و نوسازی خطوط - زیر کوبی - ریل گذاری - جوش و درز ریل - ایجاد کارخانه تراورس سازی - کارخانجات مجهز تعمیر لکوموتیو و واگنها و بالاخره مشارکت راه آهن در کارخانه واگن سازی پارس اراک که امید می رود بزودی واگنهای ساخت ایران را به بازار عرضه نماید، اقدامات اساسی انجام گرفته است.

در مورد ترابری زمینی :

شرکت ترابری زمینی تشکیل و با خرید ۴۰۰ کامیون و ۱۲۰۰۰ یدک کش نظام جدیدی برای حمل و نقل زمینی کشور طراحی شده است که بسی شک در آینده نزدیک اثرات بسیار در جذب و انتقال هر چه سریعتر کالاها از بنادر و مراکز تولید به بازار مصرف خواهد داشت.

در این شرکت بمسئله سهم نمودن رانندگان در مالکیت وسایل حمل و نقل (کامیون) بصورت واحدهای تعاونی توجه خاص مبذول شده است. در این شرکت بسا استفاده از تجربیات و تخصص های کارشناسان

بین المللی ترابری مقدمات اجرای برنامه های جامع حمل و نقل زمینی متناسب با پیشرفت های اقتصادی کشور برنامه ریزی فراهم خواهد شد و از مشاوران انماک (ENMAC) استفاده می شود.

بنادر :

با توجه برون افزایش حجم مبادلات کالا در بنادر کشور و لزوم ازدیاد تعداد اسکله ها و بالا بردن ظرفیت تخلیه و بارگیری در سال جاری اقدامات بنیانی در جهت ساختن اسکله ، مکانیزه کردن سیستم تخلیه و بارگیری و حمل و نقل بعمل آمده که باختصار بیان می شود.

۱- بندر شاهپور :

در این بندر که در حال حاضر دارای شش اسکله با ظرفیت سالانه حداکثر ۲/۵۰ میلیون تن میباشد ، ۲۸ اسکله جدید با ظرفیتی معادل ۱۵/۵ میلیون تن در سال احداث میگردد و علاوه بر آن برای افزایش قدرت جذب بندر و استفاده از نیروی کشتش دویه ها در تخلیه کشتی های بزرگ در لنگرگاه ، ۱۹ اسکله مخصوص پهلوگیری دویه ها ساخته میشود که با خریداری ۵۲ فروند دویه ، که تعدادی از آن نیز رسیده است ، تجهیز میگردد. در این بندر یک سیلوی ترانزیتی غله با ظرفیت سالانه ۲ میلیون تن احداث میشود که افتخار آمیز است (احسنست)...

۲- بندر عباس :

طرح مجتمع بندر عباس شامل ساختمانی ۲۲ اسکله جدید ، شهرسازی و تجهیزات کامل و مدرن بطور Turnkey بمناقصه گذاشته شده است و با احداث بندر جدید ظرفیت سالانه از ۱۲۰۰۰۰۰ تن به میزان ۲۴۰۰۰۰۰۰ تن یعنی بیست برابر و یا دوازده درصد افزایش خواهد یافت.

۳- بندر خرمشهر :

با اجرای یک برنامه ضربتی و در مدتی محدود تعدادی اسکله و انبار و محوطه های بارانداز و پهلوگیر و تأسیسات مکانیکی ورود سیمان و کالاهای کیسه گیری شده بوجود می آید ، که با "لا" قدرت بندر را چندین برابر افزایش خواهد داد.

۴- بندر بوشهر :

در این بندر پنج پهلوگیر جدید با تمام تأسیسات و تجهیزات که تعیین صلاحیت پیمانکاران آن نیز خاتمه یافته است احداث میگردد.

۵- بندر چاه بهار :

در این بندر سه اسکله تجارتنی و چندین اسکله مسافری و ماهیگیری احداث خواهد شد و همچنین همزمان با اجرای این برنامه ها در ۱۲ بندر کوچک در دریای عمان و خلیج فارس و جزایر خلیج فارس ایجاد خواهد شد.

۶- بنادر دریای خزر :

در بندر پهلو و نوشهر پروژه های انبار سازی ، تعویض و تطویل اسکله ها احداث اسکله های جدید در دست تهیه و یا اجراء است.

بموازات اجرای برنامه های عمرانی در زمینه نظام سازمانی وزارت راه و ترابری و سازمانهای وابسته و ایجاد مفاهیم جدید و هماهنگی کامل بین واحدها یک رشته برنامه های وسیع تهیه شده و مقدمات اجرایی آن فراهم آمده و از آغاز سال آتی بمرحله اجراء گذاشته خواهد شد و اهم آنها بقرار زیر است :

۱- تأسیس مجتمع آموزشی وزارت راه و ترابری برای تربیت نیروی انسانی کار آزموده و فنی.

۲- استفاده از خدمات ماشینی (کامپیوتر) و سیستمهای انفورماتیک در کلیه واحدها.

۳- ایجاد ارتباط تلفنی و تلکس در کلیه خطوط راه آهن ، شاهراهها و جاده های اصلی کشور و بنادر بخصوص ایجاد پیشرفته ترین شبکه ارتباطی در خلیج فارس و دریای عمان.

۴- و بالاخره بلحاظ تأمین سلامت و ایمنی جاده ها و رفاه عمومی مردم اقداماتی از قبیل کدگذاری راهها بزبان فارسی و لاتین و نصب تابلوهای راهنما حاوی علائم و دستورالعمل های ایمنی ، استقرار درمانگاه های متحرک و همچنین استراحتگاهها و مراکز تعمیراتی ثابت یا متحرک در راههای کشور ، مطالعات و اقدامات اساسی صورت گرفته است.

وامادر خصوص بودجه وزارت پست و تلگراف و تلفن

و توسعه مخابرات و پست در طی سالهای ۵۲ و ۵۳ و مقایسه آن با سال ۱۳۴۱ باید عرض کنم .

تأشروع انقلاب شاه و ملت عملا اقدامی اساسی برای توسعه پست و مخابرات کشور صورت نگرفت و غالب کارهای انجام شده جنبه رفع قسمتی از نیازهای روزمره آنها بصورت بسیار ناقص و موقت داشته است . در سطح کشور حدود یکصد هزار شماره تلفن خودکار در ۱۱ شهر یور و حدود سی هزار شماره تلفن مغناطیسی در ۱۲۰ شهر دایر بود .

تقریباً کلیه ارتباطات راه دور کشور بجز در چند مسیر همگی بوسیله دستگاههای بی سیم کم قدرت موج کوتاه آنها برای تعداد کمی از نقاط دایر بود که راندمان کار آنها از ۲۰ یا ۳۰ درصد ساعات کار تجاوز نمیگردد و دارای ظرفیت بسیار کم (یک مدار تلفنی یا یک مدار تلگرافی در هر مسیر) بوده است . چند دستگاه ۳ کانالی کاربرد فقط ۲ دستگاه ۱۲ کانالی کاربرد بین تهران - قزوین - رشت و تهران - خرمشهر و تهران - همدان - کرمانشاه کار میگرد و در مسیرهای کوتاه مثلا تهران و چند نقطه مازندران ارتباط تلفنی مستقیماً از طریق سیم مسی وبدون دستگاه کاربرد دایر بود .

مخابره تلگراف حتی با اغلب نقاط خارج از کشور با علائم مورس انجام میشود .

از تلویزیون و بویژه امکان انتقال برنامه های ممکن و صدابه نقاط مختلف کشور خبری نبود . تلفن با خارج از کشور بوسیله دو فرستنده موج کوتاه با قدرت متوسط صورت میگرفت که عملاً در روز تعداد ۱۲۰ الی ۳۰ مکالمه بزرگت و با کیفیت خیلی پائین انجام میشد .

چند مشترک تلکس فقط در تهران وجود داشت که از راه دستگاههای رادیو تلگرافی گاه که شرایط پخش امواج مساعد بود میتوانستند باتقاسط معینی در اروپا و آمریکا تماس بگیرند .

با ایجاد ثبات سیاسی و استیفای حقوق ایران از منابع زیرزمینی کشور که به برکت انقلاب شاه و ملت بصورت عمل درآمد نهضت توسعه سازی بنیانی کشور در همه شئون شروع شد و چرخ پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در مملکت نه تنها شروع بحرکت کرد بلکه هر سال

قیاس با سال گذشته سرعت بیشتری گرفت .
 ارائه خدمات زیر بنائی را کافی و بموقع بمنظور
 حصول پیشرفتهای فوق الذکر از ضروریات بود . یکی
 از وزارتخانه هائی که وظیفه ارائه قسمتی از این خدمات
 را بعهده داشت وزارت پست و تلگراف و تلفن بود که با
 گامهای سریعی در مسیر پیشرفت قدم برداشت در زیر
 اقداماتی که در زمینه توسعه مخابرات و پست طی دو سال
 ۵۳ و ۵۲ انجام شد در مقایسه با سالهای قبل از انقلاب و
 با شروع آن ذکر میشود :

الف - مخابرات :
 ۱- تلفن شهری : فروردین ۱۳۴۲ - مهر ۱۳۵۳
 تعداد تلفن خودکار در ۱۱۵۰۰۰ - ۴۳۹۰۰۰
 اختیارات مشترکین

تعداد مراکز خودکار ۱۹ مرکز در ۱۱ شهر ۷۹ مرکز
 در ۵۵ شهر

تعداد تلفن مغناطیسی ۳۱۰۰۰ در ۱۲۰ شهر ۴۹۰۰۰ در
 ۱۵۵ شهر

با برنامه های که شروع با اجرا شد انتظار میرود تا
 پایان برنامه پنجم تعداد تلفن کشور به ۲ میلیون بالغ
 گردد .

۲- خطوط هوائی برای ارتباطات بین شهرها :

فروردین ۱۳۴۲ آذرماه ۱۳۵۳
 خطوط مسی یا مغز فولادی ۲۲۶۲۹ - ۵۳۴۶۸
 خطوط برنز - ۲۴۲۰
 خطوط آهنی ۲۸۸۴۴ - ۲۸۵۴۶

با استفاده هر چه بیشتر از شبکه های مایکروویو
 میزان سیمکشی هوائی کشور محدود شده است ضمناً
 توسعه خطوط آهنی مورد نظرنیست زیرا قابلیت مخابراتی
 ضعیفی دارد و بتدریج با خطوط مغز فولادی تعویض
 خواهد شد .

۳- مایکروویو : فروردین ۱۳۴۲ - مهر ۱۳۵۳
 حدود ۱۴۰۰۰ کیلومتر

قبل از سال ۱۳۴۳ سیستم مخابراتی مایکروویو
 در ایران وجود نداشت در این سال نخستین
 خط مخابراتی مایکروویو بظرفیت نهائی ۱۲۰ کانال
 تلفنی بین حلقه دره نزدیک کرج و تهران برای اتصال

مراکز فرستنده و گیرنده بیسیم در حلقه دره و کمال آباد
 دایر گردید .

و در اواخر همین سال خط مایکروویو سرتاسری
 ستو به ظرفیت نهائی ۶۰۰ کانال تلفنی آماده گردید که
 در اوایل سال ۱۳۴۴ رسماً با مجموع یکصد کانال در
 سرتاسر مسیر داخل کشور مورد بهره برداری قرار
 گرفت .

در برنامه چهارم طرح های متعددی برای توسعه
 شبکه مایکروویو تهیه و بموقع اجرا درآمد که کار تکمیل
 بعضی آنها هنوز هم ادامه دارد از جمله شبکه مایکروویو
 کل کشور (۷ خط مایکروویو) است که مراحل نهائی
 اجرای آن در سال ۱۳۵۲ پایان یافت . طول این شبکه
 بر روی ۳۵۶۰/۵ کیلومتر است و شامل ۱۰۸ ایستگاه

مختلف می باشد . ظرفیت نهائی تمام خطوط این شبکه
 ۹۶۰ کانال تلفنی و یک کانال تلویزیونی است . این شبکه
 در بهبود مخابرات شهرهائی که مستقیماً از این شبکه
 بهره برداری می کنند عبارتند از : تهران - قزوین - همدان -
 بروجرد - خرم آباد - دزفول - اهواز - خرمشهر - بابل -
 رشت - مشهد - نیشابور - سمنان - شاهرود - سبزوار -
 بیرجند - تربت حیدریه - گناباد - بهبهان - کازرون -
 شیراز - بوشهر .

از جمله شبکه های مهم دیگر شبکه مایکروویو
 تهران - اسد آباد است . این شبکه که در سال ۱۳۴۸
 تکمیل گردید مرکز مخابرات تهران را به ایستگاه زمینی
 ماهواره های مخابراتی در اسد آباد همدان متصل میکند
 و ظرفیت نهائی آن ۱۲۰۰ کانال تلفنی و یک کانال
 تلویزیونی است . این خط در سال ۱۳۵۲ تا کرمانشاه
 امتداد یافت و قطعه اسد آباد - تهران که همدان - اراک و
 ساوه نیز از آن بهره برداری می کنند در سال ۱۳۵۲
 تکمیل و آماده گردید و مورد بهره برداری قرار گرفت .
 مهمترین شبکه مایکروویو کشور همان پروژه مخابراتی
 یکپارچه کشور است . طول این شبکه متجاوز از ۱۳۷۰۰
 کیلومتر است . ظرفیت نهائی خطوط مایکروویو در
 مسیرهای مهم ۱۲۰۰ و ۹۶۰ کانال تلفنی با اضافه یک
 کانال مخصوص برنامه های تلویزیونی است و در سایر
 خطوط و انشعابات ۶۰۰ ، ۳۰۰ ، ۱۲۰ و حداقل ۲۴ کانال

تلفنی است . این شبکه عظیم که دارای ۵۵۵ ایستگاه
 مختلف است با شبکه هائی که قبلاً ذکر شد پوشش
 مایکروویو کشور در سطح تقریباً وسیعی تأمین میکند .
 خطوطی از این شبکه که تا کنون غالباً در مسیرهای
 اصلی مورد بهره برداری قرار گرفته و با آماده آزمایشات
 بهره برداری گردیده است و بیشتر مربوط بسال ۵۲ و سال
 جاری است عبارتند از :

خط بندر پهلوی - لاهیجان و گرگان - گنبد - شاهرود با
 ظرفیت نهائی ۱۲۰۰ کانال تلفنی و یک کانال تلویزیونی .
 خط تبریز - رضائیه - سنندج - کرمانشاه - ایلام
 با ظرفیت نهائی ۱۲۰۰ کانال تلفنی و یک کانال تلویزیونی
 که در مسیر و با بوسیله انشعابات شهرهای میاندوآب -
 عجبشیر - مهاباد - مراغه - سقز - شاه آباد - غرب -

قصر شیرین - خانه - سردشت - بانه - نوسود - مریوان و
 مهران را می پوشاند .
 خط ۱۲۰۰ کانالی با اضافه یک کانال تلویزیونی
 بین کرمان و بندرعباس که در مسیر و با بوسیله انشعاب
 شهرهای سیرجان - بافت - جیرفت - میناب - هرمز و
 قشم را در بر میگیرد .
 خط شیراز بندرعباس با ظرفیت ۱۲۰۰ کانال تلفنی
 و یک کانال تلویزیونی .

خط تبریز - جلفا که ظرفیت آن ۶۰۰ کانال تلفنی
 است و شهرهای مرند - باکو - بازرگان - بلدشت ، خوی
 و شاهپور نیز از آن بهره برداری خواهند کرد .
 خط مشهد - تربت جام - تایباد - با ظرفیت ۶۰۰
 کانال تلفنی . خط ۲۴۰ کانالی ترویو اسکاتر بین اهواز
 و اصفهان و انشعابات هفتگل سوسنگرد ، مسجد سلیمان و
 بندر شاهپور و شهر کرد .
 خط ۹۶۰ کانالی با اضافه یک کانال تلویزیون -
 تبریز - بندر پهلوی - شهرهای درمسیر و انشعابی عبارتند
 از سراب - اردبیل - آستارا - مشکین شهر - اهر - پارس
 آباد - گرمی و خهارلو خط بندرعباس - قشم - بندر لنگه
 کیش - جزیره لاوان و عسلو که در قسمتی دارای ظرفیت

۱۲۰۰ کانال با اضافه یک کانال تلویزیونی و در قسمت دیگر
 ۶۰۰ کانال تلفنی است .
 خط اصفهان - شیراز با ظرفیت ۱۲۰۰ کانال
 تلفنی و یک کانال تلویزیونی که از سال ۱۳۵۰ مورد بهره
 برداری قرار گرفته است .
 خط تبریز - تهران - کرمان با ظرفیت ۱۲۰۰ کانال
 تلفنی و یک کانال تلویزیونی که در مسیر آن شهرهای میانه -
 زنجان - قزوین - قم - کاشان - اصفهان - نائین - یزد
 و رفسنجان قرار گرفته است .
 خط گنبد - بجنورد - قوچان ، مشهد که در شرف
 تحویل است و با انشعابات نقاط علاقان ، سرخس و
 لطف آباد را پوشش میدهد خط بندر بوشهر و خارک و خط
 خرمشهر - خسروآباد .
 خط اراک - خمین - محلات - ازنا و خط اهواز - بندر
 شاهپور - بندر ماهشهر .

بطور کلی کارهای انجام شده پروژه مخابراتی
 یکپارچه حدود ۸۵ درصد کل کار میباشد که دو مسیر
 عمده بیرجند - زابل - زاهدان و زاهدان - ایرانشهر -
 خاش و چابهار را در بردارد .
 ۴- تلفن خودکار بین شهری :
 تا قبل از سال ۱۳۵۰ در ایران سرویس تلفن

خودکار بین شهری وجود نداشت در سال مزبور این
 سرویس بین تهران و شیراز (روز ۱۲/۷/۱۳۵۰) دایر
 شد سپس تا سال جاری شهرهای دیگری به این شبکه
 پیوستند بطوریکه در حال حاضر ۴۷ شهر کشور (همه شهرهائی
 که تلفن خودکار شهری دارند) دارای تلفن خودکار بین
 شهری هم هستند و تا سال آتی این تعداد به ۵۸ شهر و
 بالاخره تا پایان برنامه پنجم به ۹۶ شهر افزایش خواهد
 یافت . قرارداد لازم برای افزایش ظرفیت ۵۸ مرکز
 اول با پیمانکار خارجی بامضا رسید که تا تابستان سال
 ۱۳۵۴ و وسائل مربوطه نصب و تحویل خواهد گردید .

از ۴۷ شهر مذکور ۲۵ شهر در سالهای ۵۲ و ۵۳
 به شبکه پیوسته اند
 ۵- مراکز بهره برداری تلفن کاربر :

با وجود تأسیس شبکه های پر ظرفیت و مدرن
 مایکروویو در سراسر کشور مع الوصف بمنظور تأمین

نیازات

نیازات

ارتباط مخابراتی نقاط کوچکتر توسعه شبکه کاری کشور نیز همچنان مورد توجه قرار دارد. در سال ۱۳۴۱ با آنکه شبکه‌های مایکروویو وجود نداشت در سراسر کشور فقط ۲۵۲ نقطه دارای دفتر تلفن راه دور بود اما اینک تعداد این دفاتر از رقم ۴۰۰ بالاتر رفته است از سال ۱۳۴۲ الی سال ۱۳۵۳ جمعاً ۵۵ زوج دستگاههای ۱۲ کانالی و ۴۵ زوج دستگاه ۳ کانالی در کشور نصب شد. فقط در سال ۱۳۵۲ ۸ سیستم ۱۲ کانالی و ۷ سیستم ۳ کانالی کاریس در نقاط مختلف جدیداً نصب و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

و نصب سیستم‌های ۱۲ کانالی و ۳ کانالی کاریس که از نقاط مختلف کشور ۴ پوشش تدریجی بوسیله مایکروویو جمع‌آوری میشوند و نیز همین نوع وسائل که از کارخانه شیراز تحویل میگرددند در سطح وسیعی در نقاط جدید ادامه دارد.

۶- تلگراف و تلفن :

در سال ۱۳۴۱ تنها ۴۱ دفتر تلگرافی کشور مجهز به سیستم تلگرافی تله‌پینتر بود و عبارت دیگر در حدود ۲۰ تا ۲۵ خط ارتباطی تله‌پینتر وجود داشت. در حال حاضر حدود ۲۸۰ خط ارتباطی که بسیاری از مراکز آن مجهز به تعداد زیادی تله‌پینتر برای مبادلات تلگرافی کشور است مورد بهره‌برداری قرار دارد. در سال ۱۳۴۱ تعداد مشترکین تلکس در تهران فقط ۷۵ نفر بود و چون بعداً مرکز تلکس ۶۰۰ شماره‌ای موجود تهران هم ابتدا تکافوی احتیاجات را نمیکرد لذا طرح تلکس و جتنکس خودکار کشور اجرا گردید که تا پایان سال ۱۳۵۴ صد درصد اجرا شده و ۶۰۰۰ شماره تلکس در نقاط مختلف کشور با ۱۱ مرکز کمپیوتری مردم واگذار میشود. ضمناً همه دفاتر تلگرافی کشور از طریق شبکه جتنکس خود کار با نمره‌گیری مستقیم یکدیگر متصل میگرددند.

۷- مخابرات ماهواره‌های (تلفن-تلگراف و تلکس بین المللی):

ایستگاه زمینی ماهواره‌های مخابراتی در اسدآباد همدان از سال ۱۳۴۸ مورد بهره‌برداری است و قسمت اعظم مخابرات تلگرافی و تلفنی و مبادله برنامه‌های

تلویزیونی با کشورهای خارج از طریق این ایستگاه انجام میگردد. این ایستگاه با قمر مخابراتی اوقیانوس اطلس ارتباط دارد. برای برقراری ارتباط با ماهواره اوقیانوس هند آنتن دومی با کلیه وسائل فرستنده و گیرنده در ایستگاه مذکور نصب گردیده که در میدان دید ماهواره اوقیانوس هند قرار دارد.

با استفاده از همین آنتن بود که جریان هفتمین بازیهای آسیائی تهران به کشورهای خاور دور و جنوب شرقی و جنوب آسیا بطور رضایتبخشی مخابره گردید. کار نصب آنتن تکمیل گردیده و در شرف بهره‌برداری دائمی است.

لازم به یاد آوری است که در سال ۱۳۴۱ فقط ۵ مدار رادیویی موج کوتاه برای ارتباط تلفنی ضعیف و نامرغوب بود هر یک از این ۵ مدار فقط روزی ۶ ساعت مورد استفاده قرار میگرفت و بدین ترتیب هر روز ۳۰ کانال ساعت ارتباط برقرار بود. در صورتیکه هم‌اکنون فقط از طریق ایستگاه زمینی و ماهواره اوقیانوس اطلس آن هم با کیفیتی بسیار مطلوب مدت زمان برقراری ارتباط بوسیله ۷۵ کانال از ۶۰ برابر آنچه که در سال ۱۳۴۱ وجود داشت بیشتر است و اگر امکانات تازه آنتن دوم- اسدآباد و دیگر وسائل تکمیل مانند مایکروویو با کشورهای همسایه و تعدادی ارتباطات موج کوتاه با برخی کشورها را نیز در نظر بگیریم مدت زمان برقراری ارتباط امروز باخارج از کشور تا پایان سال ۱۳۵۳ و از راه ۱۵۶ کانال مجموع از ۱۰۰ برابر سال ۱۳۴۱ هم بیشتر خواهد شد.

در این محاسبه امکان مبادله برنامه‌های تلویزیونی در نظر گرفته نشده است. برای افزایش حجم مکالمات باخارج از کشور دو طرح تکمیلی تحت اجراء است. اولین تبدیل ۵۰ مدار از مدارهای فعلی و آتی به نیمه خودکار است که تا اواسط سال آینده تکمیل شده و اپراتورهای ایران بدون واسطه اپراتورهای مقصد بسرعت و بطور مستقیم کلیه تلفنهای کشورهای مختلف اروپا و آمریکا را رؤسأ گرفته و ارتباط آنها را با مشترکین ایرانی دائر خواهند نمود.

طرح دوم نصب مرکز ارتباط خودکار مشترکین

ایران با خارج از کشور است. مرکز مزبور خریداری شده و نصب آن از اوائل سال ۱۳۵۴ تا پایان سال امکان نمره‌گیری خودکار مردم کشور بطور مستقیم باخارج از کشور (بدون واسطه تلفنچی‌های مبدأ و مقصد ارتباط عملی خواهد شد. ظرفیت مداری کشور باخارج بجهت این سیستم حدود ۴۰۰ در شروع کار در نظر گرفته شده است.

۸- تحویل ساختمان بزرگ مخابرات میدان سپه که برای احتیاجات فنی مخابرات راه دور پایتخت با نقاط مختلف کشور برای ۱۵ تا ۲۰ سال آینده ساخته و شروع به بهره‌برداری گردید. هزینه بنای این ساختمان يك میلیارد و چهارصد میلیون ریال تاحال بوده است.

۹- اضافه بر کارخانه تولید مراکز تلفن در شهر شیراز که از سال ۱۳۴۷ با ظرفیت تولیدی ۳۰۰۰۰ خط مشترك و ۴۵۰۰۰ دستگاه تلفن در سال شروع بکار کرده و تا این تاریخ توسعه‌ای معادل ۶۵۰۰۰ خط مشترك و ۹۰۰۰۰ دستگاه تلفن یافته و تا سال ۵۴ به ۱۲۰۰۰۰ خط مشترك و ۲۰۰۰۰۰ دستگاه تلفن افزایش داده میشود. يك کارخانه تولید دستگاه‌های مایکروویو، مالتی پلکس، UHF و سیستم‌های ۱۲ و ۳ کانالی کاربر نیز از سال ۱۳۵۲ شروع بکار در شیراز نموده که اولین محصولات آن در سال جدید شروع به استفاده و نصب گردید.

ب- پست :

هر چند مقایسه کمی پیشرفتهای پست کشور نسبت بسال ۱۳۴۱ قابل ملاحظه مینماید زیرا جمع تأسیسات مختلف پستی در سال ۱۳۴۱ (۱۹۳۰) و در پایان سال ۱۳۵۲ (۱۱۱۷۳) - واحد بوده است و هم اکنون بطور قطع بحدود (۱۱۵۰۰) واحد رسیده است مع الوصف پیشرفتهای کیفی اهمیت بمراتب بیشتری دارد چه آنکه وسائل و تجهیزات مدرن امروزی و کادر تحصیل کرده که دو عامل بسیار مهم و ارزنده در توسعه و بهبود خدمات پستی است سابقاً باندازه امروز در دسترس نبود.

از جمله طرحهای مهمی که در دست اجرا است طرح مکانیزاسیون پست است. بموجب این طرح ۹ مرکز تجزیه مکانیزه مبادلات پستی ایجاد خواهد شد که در تهران - اصفهان - تبریز - همدان - مشهد - کرمان - شیراز -

خرمشهر و زاهدان قرارداد. ساختمان مرکز تجزیه مکانیزه تهران تا یکسال و نیم دیگر تکمیل خواهد شد و مناقصه تجهیزات مربوط به آن منتشر گردیده است. قرارداد ساختمان مراکز شهرستانها منعقد گردیده و کار در مرحله شروع است.

بموازات تأسیس مراکز تجزیه نقشه کلی تهران تهیه گردید و تهران به ۸ منطقه (۱۱ و ۱۳ و ۱۹) تقسیم و برای هر منطقه در سطح خیابان و کوچه کارت شناسائی پستی که نشان میدهد در هر خیابان و یا کوچه چندخانه و ساختمان وجود دارد و پلاکها فرد و زوج از چه شماره شروع و به چه شماره ای ختم میگردد تهیه شده است. برای هر منطقه کد خاصی در نظر گرفته شده که با استفاده از آن امر توزیع نامه‌ها با سرعت و دقت بی سابقه‌ای انجام خواهد گرفت. برای عملی ساختن سیستم کد گذاری احتمالاً تا یکماه دیگر در منطقه ۱۶ (نارمک) سیستم کد گذاری پیاده خواهد شد و سپس در مناطق دیگر عملی میگردد.

با بکار افتادن مراکز تجزیه و استفاده از سیستم کد گذاری و وسائل سریع حمل و نقل پستی تحول شگرفی در امر ارسال و توزیع نامه‌ها در سرتاسر کشور بوجود خواهد آمد بطوریکه امیدواری بسیار هست که در آینده نزدیک تسلیم مراسلات پستی به صاحبان آنها در شهرهای با جمعیت ۲۵ هزار نفر و بیشتر و همچنین بین شهرهای مذکور در مدت حداکثر ۲۴ ساعت در شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۵ هزار نفر و بین این شهرها (واقع در یک حوزه) حداکثر در مدت ۴۸ ساعت و در سطح کشور از هر نقطه به نقطه دیگر حداکثر در مدت ۹۶ ساعت انجام گیرد.

در خاتمه عرایضم از فرصت استفاده نموده و از حضور آقای وزیر عدلیه استدعا دارم راجع بپایان نشستی و کلا و تأمین زندگی ایام پیری آنان که فعلاً بیش از چهار هزار نفر در مملکت هستند و در آینده تعداد بیشتری خواهند شد فکراساسی نموده لایحه تأمین پایان نشستی و کلائی دادگستری را بمجلس تقدیم نماید و از اینکه بودجه حق الوکاله و کلائی تسخیری را که در سال گذشته يك میلیون تومان بود و در بودجه سال ۱۳۵۴ بدو میلیون تومان رسیده تشکرو سپاگزاری میکنم (احسن).

یادداشت دیگری برای بنده رسیده که خیلی انترسان (Intéressant) است قسمتی از مجله پرتیراژ لوپووان (Le Point) است که برای حسن ختام بیشتری می خوانم مطلبی است که مجله لوپووان راجع بشاهنشاه ما نوشته که شاهنشاه را بعنوان مردسال شناخته نده اند (احسن) طبق سنتی که معمول است هیأت تحریریه مجله لوپووان در فاصله نوئل و اول ژانویه برنده ای تعیین می کند یعنی هیأت تحریریه مجله تصمیم می گیرد چه کسی طی ۱۲ ماه گذشته شایستگی این را دارد که بعنوان مردسال بشمار آید این انتخاب بر اساس صفات شخصی صورت نمیگیرد بلکه نقشی را که مرد سال در تاریخ انسانها ایفا کرده است مدنظر قرار میدهد مردسال ۱۹۷۲ چون لای و مرد سال ۱۹۷۳ هنری کسینجر بودند امسال مرد سال محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران می باشد (احسن) .

باستناد آنچه که هر سال پادشاه ما چندین نقش عالی از لحاظ انسان دوستی داشته اند شاهنشاه ما محمد رضا شاه پهلوی بعنوان مردسال انتخاب شدند و این مجله نوشته چون معظم له یکی از مهمترین رهبرانی هستند که با استفاده از انقلاب نفتی قصد دارند کشورشان را از لحاظ اهمیت در ردیف اول کشورها قرار دهند و در حال حاضر یک جهش خارق العاده انجام داده اند و چون میزان رشد ایران در سال جاری ۴۴ درصد می باشد میشل کولوم از این غرب وحشی نوین دیدن کرده است وی این مسابقه سرسام آور برای رسیدن بسطح قدرتهای بزرگ و سازندگی يك ملت را بازگویی کند سال ۱۹۷۴ سال شگفتیها بود اقتصادهای دنیای غرب علیرغم اطمینان و اتکائی که داشتند ناگهان متزلزل شدند و کشورهایی که فقط با خاطره گذشته خود می زیستند دفعتاً قدر برافراشتند شاهنشاه ایران پیشرفته ترین این قدرتهای جدید را رهبری میکند ایشان بمراتب بهتر از همسایگان ایران مظهر و نمونه این رستاخیز جهان سوم میباشند و بهمین خاطر است که مجله لوپووان معظم له را بعنوان مردسال ۱۹۷۴ برگزیده است. دیگر عرضی ندارم متشکرم. (احسن - احسن).

رئیس - آقای دکتر آزاد بفرمائید.

دکتر آزاد - بنام خدا و با اجازه مقام ریاست بمناسبت طرح لایحه بودجه در مجلس شورای ملی

دوستان گرامی به بنده مأموریت داده اند که درباره مسائل آموزشی کشور بطور مختصر و فشرده مطالبی بعرض برسانم. بطور کلی عرایضم شامل فصل آموزش و پرورش در تمام سطوح تحصیلی و فصل فرهنگ و هنر می باشد. امیدوارم فرصتی باقی بماند تا با مورد جوانان هم تا حدی که با مسائل آموزشی آنها مرتبط باشد اشاره ای بنمایم. همه نمایندگان محترم و قوف دارند که پس از جنگ جهانی دوم ازدیاد روز افزون جمعیت جهان از یکسو پیشرفت های علمی و فنی و صنعتی بسیاری از کشورها از سوی دیگر دست بدست هم داده و دو نتیجه بسیار بارز بار آورده است ۱- افزایش سطح تولید ۲- بالا رفتن سطح زندگی مردم. تأثیر مشترک و متقابل این دو عامل یعنی افزایش تولید و بالا رفتن سطح زندگی مردم موجب بروز پدیده نوظهوری در تمام کشورهای جهان شده است. این پدیده تازه هجوم بی سابقه، سیل آسا و انفجار آمیز تعداد بی شماری کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان بمؤسسات آموزشی در تمام سطوح می باشد چون در اکثر کشورها توسعه کمی و انطباق کیفی مؤسسات آموزشی با سرعت های ممکن نتوانسته است جوابگوی این هجوم باشد مجموعه عواملی که عرض شد بحرانی بنام بحران جهانی آموزش و پرورش پرمغان آورده است. بحران آموزش و پرورش جهانیست و طبیعتاً کشور ما هم نمی تواند از این بحران برکنار باشد بقیه صاحب نظران تهدید این بحران از سه بحران دیگری که در وضع حاضر جوامع بشری را تهدید می کند یعنی بحران نظامی - بحران غذا و بحران انرژی بمراتب بیشتر است. پس از ذکر این مقدمه کوتاه چون مرحله نهائی بروز تمام عیار این بحران، آموزشی عالی می باشد و در سطح آموزشی عالی است که بحران تمام معنی خود نمائی می کند بنده عرایض خود را با تجزیه و تحلیل عده ای از مسائل مربوط بآموزش عالی شروع می کنم. سازمان بین المللی یونسکو که از سالها پیش متوجه افزایش بسیار سریع و روز افزون متقاضیان ورود بدانشگاهها شده بود بموقع بدینجا هشدار داده بود که اگر کشورها چاره عاجلی نیندیشند در آتی نزدیک ظرفیت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی آنها به بچوجه جوابگوی هجوم

متقاضیان نخواهد بود. بهمین دلیل بسیاری از کشورهای بیدار جهان متناسب با جمعیتشان و درجه اعلائی امکاناتشان طرقتی را برای توسعه ظرفیت دانشگاههایشان اتخاذ کردند و به نسبت کوشش کم و بیش توفیقی حاصل نمودند مثلاً آمریکا در عرض ده سال از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ ظرفیت دانشگاههای خود را از ۲/۴۷۰/۰۰۰ دانشجو به ۵/۵۷۰/۰۰۰ دانشجو رسانید. حال بیائیم بای نظری کامل میزان توفیق دولت را در این مسئله خطیر یعنی گسترش ضروری و اجتناب ناپذیر ظرفیت مؤسسات آموزش عالی کشور ارزشیابی کنیم. معمولاً این ارزشیابی از سه راه صورت میگیرد:

راه اول - نسبت تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی کشور را به تعداد کل شاگردان کشور اعم از ابتدائی، راهنمایی، متوسطه و عالی می سنجند و این نسبت را ملاک موفقیت دولت ها و منتهای در امر گسترش ظرفیت دانشگاهها می دانند. در سال ۱۹۶۷ یعنی هفت سال پیش این نسبت در آمریکا ۸/۹٪ در روسیه ۷/۴٪ در ژاپن ۳/۴٪ و متوسط این نسبت برای تمام کشورهای آسیائی ۲/۵٪ بوده است یعنی در سال ۱۹۶۷ بطور متوسط در کشورهای آسیائی از هر ۱۰۰ نفر شاگرد ۲/۵ نفر آنها تحصیلات عالی راه یافته اند. اگر بگویم در همان سال این نسبت برای کشور عزیزمان چقدر بوده است شما هم مثل من متأثر می شوید. این نسبت برای ایران ۱/۱٪ بوده است. یعنی کمتر از نصف متوسط کشورهای آسیائی. مقایسه من با آمریکا نیست با کشورهای آسیائی است. فراموش نفرمائید که در موقع متوسط گیری مربوط به کشورهای آسیائی به کشورهایی مثل پاکستان - مالزی - کره - اندونزی - نیوزلاند - کامبوج - هند و سیلان بر خورد می کنیم. نسبت را تکرار می کنم آمریکا ۸/۹٪ متوسط تمام کشورهای آسیائی ۲/۵٪ ایران ۱/۱٪ این مربوط به هفت سال پیش بود حال بیائیم بر اساس پیش بینی دولت برای سال ۵۴ این نسبت را حساب کنیم. دولت وعده داده است که تعداد دانشجویان را در سال ۵۴ به ۱۳۵/۰۰۰ نفر و تعداد کل شاگردان کشور را به هفت میلیون نفر برساند بفرض توفیق کامل دولت در این وعده تازه نسبت تعداد محلهای موجود در دانشگاهها

و مؤسسات آموزشی عالی کشور چقدر اکل شاگردان به ۱/۹٪ میرسد یعنی بازم کمتر از متوسط کشورهای آسیائی در هفت سال پیش - یعنی اگر فرض کنیم از هفت سال پیش تا کنون کشورهای آسیائی از لحاظ گسترش ظرفیت دانشگاههای خود در جازده باشند و باز فرض کنیم که بودجه ۵۴ پیشنهادی دولت کاملاً عملی شود تازه به متوسط کشورهای آسیائی نرسیم.

راه دوم ارزشیابی میزان گسترش ظرفیت دانشگاههای کشور اینست که حساب کنیم در هر سال بازاا یکصد هزار نفر جمعیت آن کشور چند نفر از مؤسسات آموزش عالی فارغ التحصیل میشوند. این رقم برای سال ۱۹۶۷ در آمریکا ۳۴۸ در ژاپن ۲۱۴ در فرانسه ۸۴ در لبنان ۶۴ در هندوستان ۴۵ بوده است به بینیم این رقم برای ایران عزیز در همان سال یعنی ۱۳۴۷ چقدر بوده؟ متأسفانه فقط ۲۷ یعنی تقریباً دو برابر و نیم کمتر از لبنان باز بهمین نتیجه ای میرسیم که از راه اول رسیدیم.

در راه سوم ارزشیابی مورد نظر یعنی ارزشیابی موفقیت برنامه های گسترش ظرفیت مؤسسات آموزش عالی نسبت به تعداد کل دانشجویان به کل جمعیت را ملاک موفقیت میگیرند - یعنی حساب میکنند برای یکصد هزار نفر جمعیت چند محل تحصیل در مؤسسات آموزش عالی وجود دارد. این رقم در سال ۶۷ در آمریکا ۲۸۴۰ در روسیه ۱۵۸۵ در ژاپن ۱۰۰۰ در لبنان ۷۶۰ در کره ۵۰۰ و در ایران عزیزمان فقط ۱۸۲ یعنی کمتر از نصف لبنان باز همان نتیجه ای که از راه اول دوم بدست آمد خود نمائی میکند. حتی اگر وعده های دولت در بودجه پیشنهادی جامه عمل بپوشد در سال ۵۴ هم بعدد ۴۰۰ محل آموزش عالی برای هر یکصد هزار نفر جمعیت میرسیم که کمتر از رقم نظیر هفت سال پیش لبنان و کره است نمیدانم جناب آقای دکتر الموتی که همیشه از حکومت عدد دفاع میفرمائید حکومت اعدادی را هم که بعرض رسید قبول میکنند؟ یا توجه به هشدار مؤکد چند سال پیش یونسکو مبنی بر افزایش سریع تعداد متقاضیان آموزش عالی و بادر نظر گرفتن ارقامی که بعرض رسیدی دلیل نیست که هر سال دهها هزار نفر جوانان مستعد پرورش و شائق بتحصیل عالی ما پشت نرده های دانشگاهها میایستند و با حسرت بدرون دانشگاه

مینگر ندبی دلیل نیست که هر سال در موقع برگزاری کنکور سراسری نگرانی و تشویش و صف ناپذیری بر محیط اکثر خانواده‌های کشور ما سایه می‌افکند - بی دلیل نیست که هر سال هزارها نفر از جوانان ما برای دسترسی بتحصیلات عالی به کشورهای بیگانه روی می‌آورند و هر روز مسأله پیچیده و تازه‌ای برای خود آنها و خانواده آنها و دولت و ملت درست میشود و باز بی دلیل نیست که چند روز قبل که کنکور دوره شبانه دانشگاه تهران برگزار شد برای فقط ۲۵۰ محل هفده هزار جوان جوای تحصیلات عالی در کنکور شرکت کردند. دقت فرمائید يك محل برای هفتاد متقاضی.

همه و همه معلول عدم تلاش کافی دولت در توسعه بموقع ظرفیت مؤسسات آموزش عالی کشور می‌باشد. مسئله همین جا ختم نمیشود. کمی تعداد دانشجوی در مؤسسات آموزش عالی هزینه سرانه هر دانشجوی ابطرفی باور نکردنی بالا برده است بسمیکه یکی از کار شناسان یونسکو که بعنوان مشاور وزیر علوم وقت در سال ۴۸ در ایران خدمت میکرده گزارشی در اینباره برای وزیر علوم وقت تهیه دیده است که مثل بسیاری از گزارش‌های با یگانگی را کد وزارت علوم خاك میخورد. این کارشناس بی نظر در مورد هزینه سرانه هر دانشجوی در ایران به نتیجه تأسف آوری رسیده است. یقین دارم نمایندگان محترم هم اگر این نتیجه را بشنوند مثل آن مشاور وزارت علوم و مثل بنده متأثر خواهند شد. نمیدانم وزیر علوم وقت هم در موقع مطالعه گزارش متأثر شده است یا نه! اگر متأثر شده بود قدمی بر میداشت. شاید ذکر چند عدد موضوع را روشن کند.

در سال ۴۸ متوسط هزینه تحصیل هر دانشجوی در امریکا ۱۶۰۰ دلار در ژوئن ۱۲۸۷ دلار در فرانسه ۱۰۰۰ دلار در لبنان ۳۴۱ دلار و در ایران مختصری کمتر از ۱۰۰۰ دلار بوده است.

شاید در اولین نظر این اعداد زیاد جلب توجه نکند ولی اگر به جزوه کوچک و مفیدی که بنام آمار منتخب از طرف سازمان برنامه منتشر شده مراجعه کنیم بی‌نییم که در آمد سرانه مردم ایران در سال ۴۸ معادل ۲۵۶ دلار و در آمد سرانه مردم فرانسه ۲۰۰۰ دلار ذکر شده است (یعنی حدود هشت برابر ایران در آن سال) مفهوم واقعی

ارقام ذکر شده اینست که در سال ۴۸ هزینه سرانه هر دانشجو در ایران با در آمد سرانه ۲۵۶ دلار معادل هزینه سرانه هر دانشجو در فرانسه با در آمد سرانه دوهزار دلار بوده است.

توضیحاً باید عرض کنم که رقم در آمد سرانه ای که عرض شد مربوط به سال ۴۸ است و الا در وضع حاضر در اثر موفقیت‌های اخیر ملت ایران در آمد سرانه مردم خیلی بالاتر از این رقم است عددی بیش از هزار دلار ولی فراموش نکنیم که هزینه متوسط تحصیل هر دانشجو هم بهمان نسبت بلکه به نسبت بیشتری بالاتر رفته است و در نتیجه گیری از استدلال من تأثیری نداد. طبق اظهار نظر صریح و تکان دهنده کارشناس یونسکو که بان اشاره کردم اگر ژاپون را که در آمد سرانه بزرگی دارد کنار بگذاریم در قاره آسیا ایران از لحاظ هزینه سرانه هر دانشجو مقام اول را احراز کرده است. بلی اگر از لحاظ ظرفیت دانشگاهی در آسیا در زمره ذیل نشینان بوده ایم از لحاظ هزینه سرانه هر دانشجو در آسیا صدر نشین هستیم. واقعاً زهی توفیق! آنچه بعرض رسید واقعیتی است تلخ ولی عدم توجه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی بساین واقعیت آثار تلخ تری بار خواهد آورد.

لابد از خود می‌پرسم چرا هزینه سرانه هر دانشجو در ایران اینقدر بالا است. آیا آزمایشگاههای آموزشی بسیار مجهز در اختیار دانشجویان قرار داده ایم - آیا مراکز اسناد گسترده ای برای دانشجویان تهیه دیده ایم. آیا ابزار های تحقیقی گران قیمت بمنظور استفاده دانشجویان عرضه داشته ایم؟ آیا آخرین تکنولوژی آموزشی را برای تعلیم دانشجویان بخدمت گرفته ایم؟ پاسخ همه این پرسشها منفی است. طبق اظهار نظر کارشناسان بین المللی علل اساسی بالا بودن هزینه سرانه تحصیل در دانشگاههای ایران بطور خیلی خلاصه و متر اکم عبارتند از عدم استفاده کامل از امکانات موجود، تقدم غیرموجه امور بسیار فرعی بر امور اصلی دانشگاهی، بالا بودن بی تناسب هزینه های اداری دانشگاهها و از همه مهمتر صرف مبالغ عظیمی برای برافراشتن ساختمانهای غول پیکر - ساختمانهای نمایشی و بی مصرفی که در بسیاری از موارد بدرد همه چیز

که بودجه مؤسسات آموزش عالی کشور را می‌بلند و گسترش ظرفیت آنها را کند میکنند.

کمی ظرفیت دانشگاهها از یکطرف و هجوم متقاضیان ورود بتعلیمات عالی از طرف دیگر دولت را مجبور ساخته است بسیار عجولانه و بدون تهیه مقدمات کافی بطرق مختلف تعداد روز افزونی دانشجویان بپذیرد و افتخار کند که هر سال چند درصد بسیار بزرگی به ظرفیت تعلیمات عالی افزوده است. در صورتیکه افزایش چند درصد بسیار بزرگ غیر طبیعی در هر سال به دلیل قاطعی که عرض خواهم کرد نه تنها موجب افتخار نیست بلکه درخور گله و خرده گیری است. موضوع بسیار روشن است سالها پیش یونسکو هجوم را پیش بینی کرده و بدولت‌ها هشدار مؤکد داده بود که هر چه زودتر بطرق ممکن ظرفیت تعلیمات عالی خود را گسترش دهند دولت‌های بیدار از سالها قبل با کمال تأمل و بدون عجله در هر سال چند درصد ممکن و معقولی به ظرفیت تعلیمات عالی خود افزودند بنا بر این منحنی افزایش تعداد دانشجویان آنها از سال‌های سیر صعودی ملایم و معمولی دارد - چند درصد کوچکی در هر سال.

ولی کشورهای غافل سالها را به غفلت گذرانیده و یکبار بیدار شده اند که هجوم متقاضی حدت پیدا کرده است ناچار تحت فشار و عجولانه بدون تهیه کافی هر سال ظرفیت آموزش عالی خود را ۳۰٪ و ۴۰٪ افزایش داده اند بسمیکه طبق گزارش یونسکو منحنی افزایش ظرفیت تعلیمات عالی برای دول آفریقائی بالاتر از همه و برای آمریکا پائین تر از همه قرار دارد زیرا آمریکا از سالها پیش رشد منظم ۳-۲٪ داشته است. بعبارت ساده دولتی را که رشد سریع غیر متعارف در ظرفیت تعلیمات عالی دارد نباید برای کوشش حال تحسین نمود بلکه باید برای غفلت سالهای گذشته سرزنش کرد. این يك واقعیت شناخته شده تعلیم و تربیت است. اجازه دهید با مثالی موضوع را روشن کنم. فرض کنیم ۱۰ نفر پای کوهی قرار گرفته باشند و هدفی برای آنها در قله کوه معین شده باشد که با صعود معمولی در عرض مثلاً ۲۰ ساعت بقله برسند. عده ای با ملایمت و بطور عادی ۱۸ ساعت راه پیمائی میکنند و دو ساعت آخر راه را معمولی خود را

میخورد جز آموزش بیاید محض رضای خدا بجای نمایش به آموزش پردازیم. تجزیه و تحلیل هر يك از عواملی که هزینه سرانه دانشجویان را بطور تصاعدی بالا برده و می‌برد در مدت کوتاهی که من در اختیار دارم میسر نیست لذا فقط فهرست وار بعنوان نمونه بذکر چند عدد تکان دهنده که مؤید عرایضم باشد می‌پردازم. این ارقام مربوط به سال تحصیلی ۴۹-۴۸ می‌باشد و از گزارش کارشناسی که قلابدان اشاره کردم استخراج شده است. در سال تهیه گزارش.

۱- هزینه اداری یکی از مؤسسات آموزش عالی کشور ۲۰٪ بودجه آن بوده است.

۲- هزینه اداری دانشگاه معتبری ۱۵٪ بودجه آن بوده است.

۳- بطور متوسط هزینه اداری تمام مؤسسات آموزش عالی ۱۱٪ بودجه آنها بوده است در صورتیکه کل اعتبار تحقیق آن مؤسسات فقط ۵٪ کل بودجه آنها بوده است.

(اعتبار هزینه اداری بیش از دو برابر اعتبار هزینه تحقیق).

۴- بودجه دانشگاه معتبری ۱۵٪ کل دانشگاههای کشور بوده در صورتیکه تعداد دانشجویان دانشگاه فقط ۵٪ تعداد کل دانشجویان دانشگاههای کشور بوده است.

۵- تعداد کارمندان غیر آموزشی دانشگاه معتبری يك برابر و نیم تعداد کارمندان آموزشی آن دانشگاه بوده است.

۶- هزینه سرانه دانشجوی در يك دانشگاه شش برابر هزینه سرانه دانشجوی در دانشگاه دیگری بوده است. باز هم لازم است برای صدق مدعایم شواهدی عرضه نمایم؟ بگذارید يك نمونه دیگر عرض کنم و باین فهرست خاتمه دهم.

۷- صرفه جوئی در ساختمانهای دانشگاهی بدون کاستن بهره آموزشی امکان استخدام ۲۳۰۰ استادبیار جوان شایسته طراز اول را بمنظور تقویت کادر علمی آن دانشگاه تیسر می ساخته است.

اینها هستند نمونه‌ای چند از عوامل متعدد و متنوعی

میروند و به هدف میرسند ولی عده‌ای ۱۸ ساعت غافل میمانند و در دو ساعت آخر میخورند از پائین کوه و دور از هدف با تلاش و دویدن خود را خسته کردن به هدف دست یابند.

دور بی طرفی که تلاش این عده غافل و آرامش آن عده آنگاه را می‌بیند مسلماً تلاش آخرین ساعت را تحسین نخواهد کرد بلکه غفلت ساعات از دست داده شده را سرزنش خواهد نمود.

پس از نمایندگان محترم اکثریت و از اولیای محترم دولت خواهش میکنم پشت این تریبون مجلس مرتباً رشد بسیار سریع دانشجویان و دانش آموزان را بر مردم نکشید چه این گواه موفقیت فعلی دولت نیست بلکه گواه غفلت گذشته دولت است.

بموضوع برگردیم صحبت از کوچکی ظرفیت تعلیمات عالی و هجوم متقاضیان ورود به تعلیمات عالی بود وزارت علوم در برابر فشار تقاضا مجبور شد طرق کلاسیک و شناخته شده‌ای را برای افزایش ظرفیت برگزیند کلاسهای شبانه، مدرسه‌های عالی دولتی و غیر دولتی، دانشسرای عالی، مکتب‌های سپاه دانش و با اصطلاح فعلی دانشگاه سپاهیان انقلاب و بالاخره دانشگاه آزاد - ساختمانها ساخته و یا اجاره شد. کنکورها دانش ثبت نامها انجام شده چیز آماده شد جز یک چیز - چیز اصلی یعنی معلم یعنی هیئت علمی برای تدریس در این مؤسسات اول از کلاسهای شبانه شروع شد معلم از کجا بیآوریم وزارت علوم راه حل ساده و فوری پیدا کرد همان معلمان روز دروس شبانه را هم تدریس کنند بهانه خوبی هم وجود داشت. حقوق معلمان دانشگاهها کم است از این طریق جبران میشود.

کار معلمان دو برابر و کیفیت تدریس کاسته شد مدارس عالی یکی پس از دیگری در تهران و شهرستانها شروع بکار کردند معلم از کجا بیآورند اینکه مشکلی نیست همان معلمان دانشگاهها در این مؤسسات هم تدریس کنند کار معلمان سه برابر و کیفیت تعلیم بازم کاسته شد. هر جا مؤسسه‌ای باز شد روی بهمین معلمان محدود آوردند نتیجه پدیده‌ای که منحصر بتعلیمات عالی ما است، پدیده‌ای که آنرا معلمان هوایی و معلمان اتوبوسی (برای خالی نماندن

کلاسها) نام نهادند معلمین بناچار از این شهرستان بآن شهرستان و از این مؤسسه بآن مؤسسه در حرکتند کار بجائی رسیده است که بعضی معلمان چون صبح و ظهر و عصر و شب ایام هفته گرفتار هستند قرار میگذارند برای خالی نگذاشتن کلاس در فلان شهر روز جمعه مثلاً هشت ساعت متوالی تدریس کنند و دانشجوی فلان مدرسه عالی درسی را که باید در عرض یک هفته بخواند در عرض یکروز آنهم روز تعطیل بطور مداوم از صبح تا شب بخواند نمایندگان محترم این واقعت است این نتیجه غفلت چندساله و عجله دوسه ساله است نتیجه نهائی و طبیعی این امر کاهش روز افزون کیفیت است. این سقوط کیفیت را دو عامل اساسی دیگر تشدید نموده است که بعلت کمی فرصت از تشریح آنها میگذرم. این دو عامل اساسی یکی تبدیل سیستم آموزش عالی ایران به سیستم واحدی بدون فراهم ساختن مقتضیات آن، و دیگری کاستن بی تناسب تعداد واحدهای دروس تخصصی در هر رشته بدون توجه بعواقب ناشی از آن میباشد. در اینجا باید متصفانه از اقدامی که در سنوات اخیر از طرف نخست وزیر در باره کمک بتأمین هیئت علمی دانشگاهها شده است تشکر نمایم مقصود برنامه‌ای است که از اعتبار نخست وزیری حقوق جوانانیکه تحصیلات دانشگاهی خود را در خارج از کشور پایان رسانیده و برای خدمت در مدارس عالی بکشور مراجعت نموده اند پرداخت میگردد.

حقوق این افراد در صورتیکه مورد نیاز مدارس عالی باشند از بودجه نخست وزیری برای مدت یکسال پرداخت میشود تا بعداً مؤسسات آموزش عالی مربوط بودجه لازم را تأمین نمایند. این برنامه موفقیت آمیز بوده است البته تقلیل حجم بعضی از برنامه‌های بزرگ علمی و فنی در امریکا و در نتیجه رکود بازار کار برای بعضی از فارغ التحصیلان ایرانی مقیم امریکا نیز در موفقیت این طرح بی تأثیر نبوده است.

اگر بخواهم عرایضم را تا اینجا خلاصه نمایم دستگاه تعلیمات عالی موفق دستگاهی است که فارغ التحصیلانی بتعداد کافی با حداعلائی کیفیت و حداقل هزینه سرانه با اجتماع عرضه دارد ولی باتوجه بعرایضم معلوم گردید در بسیاری موارد دستگاه تعلیمات عالی ما، فارغ التحصیلان

بتعداد ناکافی با حداقل کیفیت و حداعلائی هزینه سرانه با اجتماع تحویل میدهند.

حال به جنبه دیگری از این مسئله می‌پردازم. از خود می‌پرسم مسئولیت عدم توجه به تربیت بموقع پرسنل علمی دانشگاهها با کیست با سازمان برنامه است؟ با هیئت‌های امنای دانشگاهها است؟ یا با وزارت علوم و آموزش عالی است؟ اخیراً این مسئولیت و سایر مسئولیتهای دانشگاهی دیگر بین این سه مرکز قدرت لوٹ شده است. وزارت علوم مدعی است که چون برنامه‌های اجرایی دستگاهها مستقیماً بین دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از یکطرف و سازمان برنامه از طرف دیگر توافق میشود وزارت علوم هیچگونه نقشی در کنترل بودجه دانشگاهها ندارد و در نتیجه نمیتواند قدرت قانونی خود را اعمال کند. دانشگاهها وزارت علوم را مسئول بسیاری از نابسامانیها میدانند. هر دو مسئولیت این کمبودها را بدوش دستگاه برنامه ریزی میاندازند سازمان برنامه میگوید با وجود هیئت امناء مسئولیتی در قبال این مسائل ندارد واقعاً مسئولیت روشن نیست جا دارد جناب آقای نخست وزیر توجه خاص و قاطعی باین مسئله بنمایند که آیا مسائل بودجه‌ای باید مستقیماً بین مؤسسات علمی و سازمان برنامه حل و فصل گردد و یا وزارت علوم هم در این باره رلی خواهد داشت. لوٹ کردن مسئولیت، مشکلی را حل نمیکند مشکل بجای خود باقیست.

مسئولین تعلیمات عالی باید قبول کنند که از هزار نفری که امروز وارد دوره‌های زاهنمائی میشوند بیش از ۹۰۰ نفر وارد دبیرستان و حدود ۳۲۰ نفر از آنها وارد دانشگاه خواهند شد و این عده به معلم نیاز دارند جای تعجب است که چرا در مؤسسات آموزش عالی ایران با وجود کمبود هیئت علمی از دانشجویان مبرز برای تدریس استفاده نمی‌شود.

در کشور پیشرفته‌ای مثل امریکا بطور متوسط ۶۸ درصد بار آموزش روی دوش شاغلین در دانشگاه است ۱۸ درصد وظائف آموزش را استادان مدعو و کارشناسان غیر دانشگاهی یعنی معلمینی که عضودانشگاه نیستند انجام میدهند و ۲۰ درصد بقیه بهمهده دانشجویان است ۲۰ درصد رقم بزرگی است. شاید سقوط کیفیت تحصیلی بعدی رسیده

باشد که استفاده از دانشجوی ممتاز هم عملی نباشد. اکثر نمایندگان محترم که با علوم تربیتی سروکار دارند میدانند که یونسکو برای راهنمایی و ارشاد مسئولین تعلیم و تربیت کشورهای که در حال توسعه سریع هستند توصیه‌هایی بسیار روشن از لحاظ ساختمانهای دانشگاهی نموده است و با رعایت همه جوانب جد اولی در اختیار علاقمندان گذارده است. بعنوان مثال طبق توصیه‌ای که یونسکو حدود ده سال پیش منتشر نموده بازای هر دانشجو بهای ساختمان با تجهیزات و اثاثیه و زمین را بین ۶۶۰ دلار تا ۲۰۸۰ دلار (بسته برشته تحصیلی) توصیه نموده است و از لحاظ مساحت نیز برای هر دانشجو در دانشکده‌های علوم و فنی ۱۶ متر مربع و دانشکده‌های علوم انسانی ۶ متر مربع توصیه کرده است. بیایید با رعایت توری که در عرض این ده سال پیش آمده است ارقام توصیه شده بوسیله یونسکو و ارقام سرسام آوری را که برای ساختمانهای دانشگاهی تاکنون صرف شده و با برای آینده برنامه ریزی میشود مقایسه کنید. نتیجه مقایسه و ارقامی که بدست خواهد آمد کمتر از ارقام دیگری که بعرض رسید تا سرف آور نخواهد بود. کاش این ساختمانهای گران قیمت لااقل احتیاجات واقعی گروههای آموزشی را تأمین می نمود.

اکثر آ ساختمانها نیست که همه چیز دارد جز آنچه باید داشته باشد.

دکتر علومی. دانشگاه جا نمی‌خواهد؟

دکتر آزاد. جواب راه پنج دقیقه دیگر موکول میکنم آزمایشگاه الکتریسته هست ولی سیم کشی آن تاب تحمل جریان الکتریکی مورد نیاز را ندارد پس از تحویل از مقاطعه کار باید سیم کشی آن تجدید شود. آزمایشگاه شیمی است لوله برای خروج گازهای سمی ندارد پس از تحویل از مقاطعه کار باید نوسازی شود. آزمایشگاه فیدرولیک است لوله‌های آب آن فشار کافی ندارد باید لوله کشی آن پس از تحویل از مقاطعه کار تجدید شود. اینها واقعیات است واقعیاتی که خود بچشم دیده‌ام و با تمام وجود لمس کرده‌ام. نمیدانم مسئول این نابسامانیها کیست کی و چگونه وزارت علوم میخواهد باین نابسامانیها پایان دهد.

من از خودمی پرسم که چرا وزارت علوم و آموزش عالی که مسئولیت امور مربوط به آموزش عالی را در برابر مجلس شورای ملی عهده دار است لااقل بعنوان نمونه يك کار مثبت برای هر يك از ساختمانها و آزمایشگاههای مختلف دانشگاهی براساس توصیه های سازمانهای بین المللی و نظر کارشناسان داخلی يك پرتو تیب حتی الامکان ساده و مفید تهیه نمی نماید که بدانگاهها سازمان برنامه عرضه کند. وزارت علوم باید در قبال وظایفی که دارد فقط با آن عده از طرحهای ساختمانی موافقت نماید که منطبق با ضوابط این پرتو تیب باشد و در حداقل توصیه مجامع بین المللی طرح ریزی شده باشد. این يك پیشنهاد ساده است که امیدوارم مورد توجه وزارت علوم و آموزش عالی واقع شود و از این راه قسمتی از هزینه سرانه دانشجویان در کشور ما تقلیل یابد.

حالا که موضوع بالا بودن هزینه سرانه دانشجویی با حضور دولت و نمایندگان مردم مطرح است موضوعی بخاطر من رسید که شاید طرح آن در اینجا بی مورد نباشد.

اخیراً یکی از مؤسسات بزرگ بیمه در امریکا برای تبلیغ بیمه تحصیلی و تشویق مردم باینکه فرزندان خود را از کودکی برای تحصیلات دانشگاهی بیمه نمایند جزوای منتشر کرده که در آن هزینه سرانه دانشجویی را برای هزار دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در امریکا مشخص ساخته است. این جزوه بمنظور تبلیغاتی و جلب مشتری بیمه تحصیلی بطور رایگان در سراسر امریکا توزیع شده و طبیعتاً نسخه هایی از آن بدست جوانان دانشجویی ما در ایران رسیده است. ارقام این جزوه بحث جدیدی را در محافل دانشجویی پیش آورده است.

بدین معنی که تا چند ماه قبل دانشجویانی که در دانشگاههای دولتی داخلی تحصیل می کنند به مسئله هزینه سرانه دانشجویی توجه خاصی نداشتند زیرا در وضع آنها تأثیری نداشت. ولی با وضع مقررات جدید از قبیل پرداخت هزینه تحصیلی در صورت عدم انجام تعهد خدمت و یا سپردن تضمین در موقع خروج از کشور و بر مبنای هزینه ای که دولت برای تحصیل دانشجویان متحمل شده است دانشجویان نسبت به هزینه سرانه دانشجویی بسیار حساس ساخته است

آنها از معلمین خود می پرسند با وجودیکه در آمد سرانه در امریکا خیلی بالاتر از ایرانتست با وجودیکه دانشگاههای معتبر امریکا خیلی مجهز تر از دانشگاههای کشور ما است چرا ارقام هزینه سرانه دانشجویی که دولت تعیین نموده است و در مطبوعات بدانها اشاره میشود در حد دو دوگامی بیشتر از ارقام مندرج در جزوه ای است که قبلاً بعرض رسید. دانشجویان از مسئولین وزارت علوم می پرسند اگر هزینه سرانه دانشجویی در دانشگاههای ایران بدلائی که تشریح شد خیلی بالا است و وزارت علوم نمیتواند باین ناسامانها خاتمه دهد چرا باید بار این ولخرجیها بردوش دانشجو سنگینی کند. من در عین حال که از لحاظ حفظ مصالح عامه مردم عمل دولت را در گرفتن تضمین کافی تأیید میکنم و معتقدم که دانشجویان و فارغ التحصیلانی که از کشور خارج میشوند باید برای پرداخت تمام هزینه تحصیلی خود بشخص دولت تضمین محکم و قاطعی بسپارند معذک جوابی برای پاسخ باین پرسش ندارم که چرا باید هزینه سرانه تحصیل در دانشگاهها در ایران معادل کشور امریکا باشد.

امیدوارم وزارت علوم بتواند ضمن بحث در بودجه پاسخی باین پرسش بدهد.

دکتر علومی - بعد از سال ۱۳۵۳ دوران تحصیل رایگان را هم بفرومائید.

دکتر آزاد - بحث بنده مربوط با آموزش عالی است فرمایش جنابعالی مربوط با آموزش قبل از دانشگاهی است اگر صبر بفرمائید با انجام خواهیم رسید.

شما ای از کمیت و کیفیت تعلیمات عالی را بعرض رسانیدم. امیدوارکننده نبود. اگر بخواهیم يك کشور پیشرفته صنعتی مبدل شویم بسار این دستگاه تعلیمات عالی ای که دیدیم بسیار سنگین است. هنوز راه بسیار دشوار و درازی برای صنعتی شدن در پیش داریم برای اینکه بدشواری این راه وقوف بیشتری پیدا کنیم بذکر چند رقم از صدها رقم گفتنی می پردازم و باین بحث خاتمه میدهم. اگر بخواهیم بيك کشور صنعتی تبدیل شویم ۱- باید برای هر ۷۷ نفر کارگر یک نفر مهندس تربیت کنیم.

۲- باید برای هر یکصد نفر مهندس ۷۰ نفر تکنیسین قادر به تحقیق تربیت کنیم.

۳- باید ۳٪ از کل کارکنان صنایع کشورمان مهندس و یا عالم باشند.

۴- باید ۳۸٪ از مهندسين و علمائی که در صنایع کار میکنند بکار تحقیق اشتغال داشته باشند.

۵- باید از کل تکنیسین های مشغول بکار ۲۵٪ بکار تحقیقی گمارده شده باشد.

۶- باید حدود هفتاد هزار نفر مهندس بالاتر از لیسانس داشته باشیم.

۷- و بالاخره باید برای هر سه نفری که وارد دوره راهنمائی میشوند بيك محل تحصیل در دانشگاه تأمین کرده باشیم. اینها هستند گوشه هایی از راه پرپیچ و خمی که در پیش داریم.

دوره های مقدماتی، راهنمائی و دبیرستانی

خیال میکنم به تناسب وقتی که برای صحبت من منظور شده است بحث درباره آموزش عالی کافی باشد و بهتر است توجه خود را بدوره های پیش از دانشگاه یعنی مقدماتی، راهنمائی و متوسطه معطوف سازیم. حق اینست که هر يك از این سه دوره که مسائل مخصوص بخود دارد جداگانه مورد بحث واقع شود ولی بمنظور صرفه جوئی در وقت مسائل مشترك سه دوره مقدماتی راهنمائی و متوسطه را یکجا مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهیم.

اجازه میخواهم قبل از آغاز این بحث مقدمه ای عرض نمایم. در ابتدای عرایضم به بحران جهانی آموزش و پرورش اشاره کردم. بحرانی که آثار اولیه آن حدود بیست و پنج سال پیش ظاهر شده و دامنه آن روز بروز گسترش می یابد این بحران جهانگیر در ممالک غنی و فقیر و بزرگ و جوان پیشرفته و عقب مانده بصورت های مختلف و با شدتهای متفاوت بروز کرده و در وضع حاضر چه بخواهیم و چه نخواهیم کشور ما را هم در بر گرفته است. بطور جامع و فشرده عوامل مشخصه این بحران جهانی سه پدیده زیر است:

الف- در اثر انقلابهای فکری علمی فنی و صنعتی محیط زندگی افراد بشر بکلی تغییر شکل یافته و سرعت

این تغییر شکل طوری است که دستگاههای آموزشی کلاسیک و معمولی نمی توانند روش کار خود را با این تغییر منطبق سازند.

ب- تعداد دانش آموزان با آهنگی روز افزون چنان سریع افزایش یافته است که دستگاههای آموزشی نمیتوانند جوابگوی آن باشند.

ج- در اکثر موارد هزینه تحصیلی به نسبتی بیش از نسبت تعداد دانش آموزان افزایش یافته و بحران را تشدید نموده است.

حالا که عوامل سه گانه مشخصه بحران جهانی آموزش و پرورش را بعرض رسانیدم توجه نمایندگان محترم را به مسئله دیگری نیز جلب مینمایم. متأسفانه به دو دلیل شدت این بحران در کشورهای در حال توسعه بمراتب بیشتر از کشورهای پیشرفته است.

دلیل اول اینست که نسبت جمعیت گروه سنی مدرسه رو بکل جمعیت در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته است و این امر بار دستگاه تعلیم و تربیت را در کشورهای در حال رشد سنگین تر میکند.

دلیل دوم اینست که کشورهای در حال رشد علاوه بر مواجه بودن با افزایش تقاضاهای جدید باید عقب ماندگی گذشته خود را نیز جبران نمایند. بعنوان مثال برای دهه از ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ رشد تعداد دانش آموزان ابتدائی در آمریکا حدود ۱۵٪ بوده در صورتیکه در همین مدت رشد تعداد دانش آموزان ابتدائی در آفریقا ۲۲۵٪ بوده است. برای دانش آموزان دبیرستانی هم رشد تعداد دانش آموزان در آفریقا بمراتب بیشتر از کشورهای اروپائی و آمریکا است. از مقایسه دورقم ۲۲۵٪ برای آفریقا و ۱۵٪ برای آمریکا سنگینی بار کشورهای در حال رشد برای مواجه با بحران معلوم می گردد (سعیدوزیری- استاد برای اینکه آفریقا و سایر کشورها بیدار شده اند و خواسته اند جهش بکنند) حال که خصوصیات بحران آموزشی را شناختیم و از علل تشدید آن در کشورهای در حال توسعه مطلع شدیم بیائیم با چند مقایسه برنامه پیشنهادی دولت برای سال ۵۴ را از دیدگاه مواجه با این بحران تجزیه و تحلیل نمایم.

میزان توجه دولت بامر آموزش را میتوان با رقم چند درصدی از بودجه عمومی که صرف آموزش می شود یا چند درصدی از تولید ناخالص ملی که بمصرف آموزش میرسد ارزشیابی نمود دولت در بودجه پیشنهادی فصل آموزش را در امور اجتماعی طبقه بندی نموده و حدود ۱۸٪ بودجه عمومی را به کل امور اجتماعی اختصاص داده است با توجه به این امر که از ۳۱۸/۱ میلیارد ریال بودجه امور اجتماعی فقط ۱۲۶ میلیارد ریال آن بآموزش تعلق گرفته است به آسانی می توان استنتاج نمود که فقط ۷٪ بودجه عمومی بمصرف آموزش میرسد. این رقم تقریباً ۱٪ نسبت بسال گذشته افزایش نشان می دهد که این امر درخور تحسین و معرف توجه نسبی به امر آموزش است. ولی با مقایسه این رقم با چند درصد بودجه عمومی که ممالک آگاه از چند سال پیش برای مواجهه با بحران بآموزش اختصاص داده اند معلوم میدارد که در بودجه پیشنهادی سهم کافی باین امر مهم تخصیص داده نشده است. کشورهای پیشرفته و آگاه از سالها پیش هشار یونسکو را جدی تلقی کرده و چند درصد نسبتاً بزرگی از بودجه عمومی خود را بآموزش تخصیص داده اند. ارقامی که بعنوان نمونه بعرض میرسانم این چند درصد را برای عده ای از کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه نشان میدهد.

آرژانتین ۱۱/۴٪ مراکش ۱۷/۳٪ بلژیک ۱۷/۱٪ مکزیک ۲۴/۱٪ فرانسه ۱۹/۹٪ ایتالیا ۱۴٪ هلند ۲۰/۷٪ همه این اعداد که بوسیله یونسکو انتشار یافته است خیلی بزرگتر از رقم ۷٪ پیشنهادی دولت میباشد. بدلائلی که عرض شد ایران بعنوان یک کشوری که سریعاً رشد کرده و می کند اگر بخواهد بر بحران فائق آید باید در مقام مقایسه با کشورهای پیشرفته چند درصد بیشتری از بودجه عمومی خود را صرف آموزش نماید زیرا همانطور که گفتیم در وضع حاضر اولاً جمعیت ایران باصطلاح فنی جوانتر است و در نتیجه رقم چند درصد افراد مدرسه رو ایران نسبت به کل جمعیت بزرگتر از رقم نظیر در کشورهای پیشرفته صنعتی می باشد و ثانیاً ایران باید با شتاب عقب افتادگی آموزشی خود نسبت به کشورهای پیشرفته را نیز جبران نماید. با توجه بانچه بعرض رسید تصدیق میفرمائید

رقم ۷٪ با مقایسه با ارقامی که بین ۱۱/۴٪ و ۲۰/۷٪ قرار داشت کوچک بنظر میرسد و مؤید توجه کافی دولت بامر آموزش نمی باشد.

حال بیائید میزان توجه دولت بامر آموزش را با بازآوری چند درصد تولید ناخالص ملی بسنجیم. اگرچه بودجه پیشنهادی و ضوابط آن به صراحت روشن نیست که تولید ناخالص ملی مدارس سال ۵۴/۵۴ قدر است ولی چون در فرمایشات جناب آقای نخست وزیر تولید ناخالص ملی سال ۵۱ مشخص شده و متوسط رشد تولید ناخالص ملی ناسال ۵۶ (به قیمت ثابت سال ۵۱) حدود ۲۶٪ تعیین گردیده است میتوان تولید ناخالص ملی سال ۴۵ را محاسبه و از روی آن چند درصد از تولید ناخالص ملی را که بامر آموزش اختصاص داده شده است بدست آورد. این محاسبه ما را بر رقم ۵/۲٪ میرساند یعنی طبق ارقامی که دولت پیشنهاد کرده است در سال ۵۴/۵۴ حدود ۵/۲٪ از تولید ناخالص ملی ما صرف آموزش میشود. این رقم قابل مقایسه با رقم نظیر در بعضی از کشورهای پیشرفته جهان است.

بعنوان مثال در سنوات اخیر اطریش ۵/۴٪ آمریکا ۶/۷٪ فرانسه ۶٪ هلند ۷٪ روسیه ۷/۳٪ از تولید ناخالص ملی خود را بآموزش اختصاص داده اند. طبق ارقام منتشره از طرف یونسکو بطور متوسط جموعه کشورهای آسیائی در سال ۱۹۷۰ (یعنی چهار سال قبل) ۴/۶٪ از تولید ناخالص ملی خود را بامر آموزش اختصاص داده اند بنابراین با این روش ارزشیابی رقم ۵/۲٪ برای سال ۵۴ اگرچه کافی نیست ولی قابل قبول است. در اینجا بهامی برای من پیش آمده است که چرا ارزشیابی توجه دولت بامر آموزش از طریق چند درصد بودجه عمومی و از طریق چند درصد تولید ناخالص ملی دو نتیجه متفاوت نشان میدهد اگر چند درصد بودجه عمومی را ملاک قرار دهیم مقایسه آن با رقمهای نظیر در کشورهای دیگر عدم توجه کافی دولت بامر آموزش را میرساند ولی اگر چند درصد تولید ناخالص ملی را ملاک قضاوت قرار دهیم مقایسه آن با رقمهای دیگر ما بوسه کننده نیست. برای بودجه کشورهای دیگر این دو روش نتیجه همآهنگ میدهد. شاید توضیح جناب آقای دکتر مجیدی درباره نحوه محاسبه

تولید ناخالص ملی در ایران و رابطه آن با بودجه عمومی این ابهام را مرتفع سازد. در هر حال بر اساس ارقامی که عرض شد سهم آموزش از بودجه عمومی اگر ما بوسه کننده نباشد خیلی امیدوار کننده هم نیست. پس از ارزشیابی رقم کلی بودجه آموزش، حال توجه خود را به ارزشیابی نحوه اجرای برنامه های منظور در بودجه معطوف فرمائید. در ابتدای بحث غلل هجوم سیل آسای متقاضیان ورود بمدارس عالی و مؤسسات آموزشی را بعرض رسانیدم احتیاجی به تکرار ندارد. برای دولتها عملاً مقدور نیست که هم کیفیت را در سطح اعلا نگاهدارند و هم جوابگوی انفجار تقاضا باشند. در چنین موقعیتی دولتها در نوع سیاست آموزشی کاملاً متمایز و متفاوت میتوانند اتخاذ نمایند. نوع اول سیاست آموزشی اینست که کیفیت آموزش را در حد اعلا می ممکن حفظ کنند و در حدود امکانات مالی و تشکیلاتی خود با استفاده از روشهای مخصوص و مطالعه شده ای مستعدترین متقاضیان را انتخاب نموده و پرورش دهند بعبارت دیگر کمیت آموزش را فدای کیفیت آموزش نمایند.

دکتر الموتی - نظر خودتان است یا نظر فراکسیون حزب مردم؟
را مبد - نظر فراکسیون حزب مردم است.

دکتر آزاد - نوع دوم سیاست آموزشی اینست که چند درصدی از کیفیت را فدای کمیت کرده در برابر همه نوباوگان و جوانانی که در سن تحصیل هستند اجازه استفاده از تشکیلات آموزشی را بدهند. بدیهی است که راه دوم از هر لحاظ دموکراتیک تر است و خوشبختانه همان سیاستی است که دولت انتخاب نموده است. در کشوری که روز بروز تشکیلات دموکراتیک گسترش بیشتری می یابد جز اینهم از دولت انتظاری نبود. حالا این بحث پیش می آید که این چند درصد کاهش کیفیت که باید بطور اجتناب ناپذیری فدای افزایش کمیت شود چقدر است و با سنجش همین چند درصد است که موفقیت دولت ها در اجرای برنامه های آموزشی ارزشیابی میشود.

پس موفقیتی برای دولت نیست که بگوید رقم دانش آموزان مملکت را در سال ۵۴ به هفت میلیون نفر خواهد رسانید. پدیده انفجار و هجوم سیل آسای متقاضیان

ورود بدستگاه آموزشی پدیده ای است جهانی، پدیده ای است طبیعی، پدیده ای است نتیجه انقلابهای فکری علمی فنی و صنعتی بعد از جنگ جهانی دوم. وقتی دولت میتواند دم از موفقیت بزند که بتواند نشان بدهد که مثلاً ۱۰٪، ۱۵٪ یا ۲۰٪ از کیفیت کاسته است و در برابر این کاهش رقم جواب مثبت به متقاضیان را در سال ۵۴ به هفت میلیون نفر خواهد رسانید.

درست مثل اینست که خدای نکرده بطور طبیعی سیلی به شهری سرازیر شود وقتی شهردار آن شهر میتواند افتخار کند که موفق شود سیل را کنترل کرده و میلیاردها متر مکعب آنرا در مسیر کانالهای پیش بینی شده ای هدایت نموده از بنائسبیل این آب منتهای استفاده را به نفع مردم شهر بنماید و طبیعی است که چند درصدی از آب هم خساراتی بنبار خواهد آورد. والا مطلق این امر که شهرداری بگوید این من هستم که میلیاردها متر مکعب آب ب مردم شهر عرضه داشته ام افتخاری نخواهد داشت. این جاست که باید عرض کنم رقم کاهش کیفیت در بسیاری از موارد ۱۰٪، ۱۵٪ و ۲۰٪ نیست بلکه اگر خوشبین باشیم باید رقم کاهش را از ۵۰٪ بیلا جستجو کنیم و هر چه واقع بین تر باشیم این رقم به ۷۰٪ و ۸۰٪ نزدیکتر میشود. (دکتر الموتی - خیلی بی انصافی است)

لابد نمایندگان محترم از من می پرسند بعنوان یک معلم ملاک قضاوت تو چیست؟ اجازه بفرمائید شواهد این مدعا را با اعداد عرضه دارم. در سنوات اخیر هر جا که یک ارزشیابی منطقی علمی اصولی و سیستماتیک از محصول دستگاه تعلیماتی کشور بعمل آمده است این حقیقت یعنی کاهش سریع و روز افزون کیفیت آموزشی بطور انکار ناپذیر و مثل خورشید تابان ظاهر شده است. یکی از مواردیکه نتیجه کوشش دستگاههای آموزشی کشور در ترازی سنجش قرار میگیرد و کیفیت محصول دستگاه آموزشی کشور بدقت سنجیده میشود کنکور سراسری برای ورود به دانشگاههای کشور است. از سراسر کشور ده ها هزار نفر جوان بر گزیده محصول دوازده سال تلاش خود کوشش دوازده سال دستگاه آموزشی کشور را عرضه مینمایند. انصاف باید بدیم که طرح کنندگان پرسش ها و تست ها در هر رشته از بهترین، دقیق ترین و بی نظیر ترین افرادی هستند

که میشود در آن رشته در کشور پیدا کرد. این افراد با نهایت دقت و حوصله و بردباری متناسب با مدت آزمایش و استعداد متوسط دانش آموزان سوالات را طرح مینمایند خود من چون چند سال در طرح يك رشته از سؤالها مسؤلیت بسیار مختصری داشته‌ام از نزدیک ناظر بوده‌ام که دستگاه اجرایی کنکور ورودی دانشگاهها یکی از دقیق‌ترین و قابل اعتمادترین دستگاههای کشور است. پاسخ پرسشها با آخرین تکنیک موجود بکمک کمپیوتر در دانشگاه صنعتی آریامهر بوسیله کارشناسان خبره این فن تجزیه و تحلیل میشود و نتیجه معلوم میگردد. پس طرح کنندگان بصیر و مطمئن اجراء کنندگان دقیق و کاردان و سائل سنجشی ماشینهای بی طرف (نه عضو اکثریت و نه عضو اقلیت)، امتحان شوندگان کوشا در کسب موفقیت. اگر نمایندگان محترم هم مثل بنده در جلساتی که نتایج این امتحانات تجزیه و تحلیل میشود حضور پیدا کرده بودند آنها هم مثل بنده متاثر میشدند و بمن حق میدادند که میزان کاهش کیفیت آموزشی را از ۵۰٪ بیالاجستجو نمایم. در این نوع سنجشهای جمعی که در آن چندین ده هزار نفر شرکت داشته‌اند بطور معمول باید نتیجه توزیع نمرات شرکت کنندگان منحنی بسیار مشخص را نشان دهد.

کسانی که با مسائل تعلیم و تربیت سروکار داشته‌اند این منحنی را درست می‌شناسند. بطور خیلی کلی و خلاصه باید چند درصد بزرگی از شرکت کنندگان حدود ۵۰٪ پرسشها را پاسخ گفته باشند (اینها دانش آموزان متوسط هستند که اکثریت را تشکیل میدهند) باید چند درصد کوچکی بجهه سوالات پاسخ داده باشند (اینها دانش آموزان ممتاز و نخبه هستند) و همچنین باید چند درصد کوچکی فقط بتعداد خیلی کمی از پرسشها پاسخ گفته باشند (اینها دانش آموزان ناموفق هستند). پس در یک توزیع طبیعی تعداد زیادی متوسط، تعداد کمی ممتاز و تعداد کمی هم ناموفق داریم. باتأسف باید بگویم که در کنکور سراسری نتیجه بکلی غیر از این است.

پس اگر می‌گویم رقم کاهش کیفیت را باید از ۵۰٪ بیالاجستجو کرد اغراق و گفتار خلاف واقع نبوده است. کمپیوترها این حقیقت را نشان میدهند.

این آزاد نیست که سخن می‌گویند اعداد هستند که سخن

می‌گویند. عرض کردم که هر جانشین گروهی و سیستماتیک از نتیجه کار دستگاه آموزشی کشور صورت می‌گیرد. مسئله کاهش کیفیت باتمام وجود خود نمائی میکند نیست شاهد دیگری ارائه دهم یکی از سازمانهای کشور برنامه‌ای دارد که همه ساله عده‌ای از بهترین و مبرزترین فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور را بعنوان فارغ‌التحصیل ممتاز انتخاب و برای ادامه تحصیلات عالی و کسب تخصص بخارج از کشور اعزام میدارد. این سازمان برای انتخاب فارغ‌التحصیلان ممتاز کشور روش خاصی بکار میبرد. در آخر هر سال تحصیلی از طریق وزارت علوم و آموزش عالی برای تمام فارغ‌التحصیلان رتبه اول و دوم رشته‌های مختلف همه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور پرسشنامه‌هایی می‌فرستند که تکمیل نموده و پس از تأیید وزارت علوم به آن سازمان اعاده دهند. بدین ترتیب در هر سال حدود پانصد نفر فارغ‌التحصیلان رتبه اول یا دوم تمام رشته‌های دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور به این سازمان معرفی میشوند سازمان از بین این پانصد نفر حدود یکصد نفر را که ممتازترین تشخیص میدهند انتخاب میکنند و از آنها برای شرکت در مصاحبه دعوت بعمل می‌آورد تا کسانی که برای مصاحبه توفیق حاصل میکنند بخارج از کشور اعزام گردند مصاحبه بوسیله اساتید مجرب طراز اول دانشگاههای پایتخت و استادان جوانی که با آخرین تحول علمی آشنا هستند صورت می‌گیرد. در این مصاحبه که برای هر فارغ‌التحصیل حدود یکساعت طول میکشد معلومات تخصصی و اطلاعات عمومی پرسش میشود آشنائی با فرهنگ ملی و مسائل مملکتی سنجیده میشود. شخصیت، روشن بینی و دید اجتماعی فارغ‌التحصیل بررسی میشود و بطور خلاصه يك برآورد جامعی از پرورش فکری این فارغ‌التحصیلان که گل سرسبد محصول دستگاه آموزشی کشور میباشد بعمل می‌آید. کاش کسانی که با اقلیت تهمت بدینی میزنند در جلسات این مصاحبه شرکت میکردند و گل سرسبد محصول نهائی بعضی از مدارس عالی دولتی و غیر دولتی کشور را از نزدیک می‌دیدند خدا را گواه می‌گیرم موقیقه که در جلسات مصاحبه بعضی از فارغ‌التحصیلان مدارس دولتی و غیر دولتی شرکت میکنند

در برخی موارد نمیدانم متبسم باشم یا متألم. متبسم زیرا گاهی پاسخ پرسشها بطوری است که هر تشریحی را بخنده و امیدارد متألم زیرا کاهش روز افزون کیفیت دستگاه تعلیماتی کشور را. برای العین می‌بینم. نمایندگان محترم در آنجا هم اساتید مصاحبه کننده نمرات عددی میدهند و اعداد با همان زبانی سخن می‌گویند که اعداد کنکور سراسری کشور سخن میگفت. آیا لازم است شاهد دیگری را برای اثبات صدق مدعایم ارائه دهم. از این شواهد فراوان است ولی من فقط بذکر یکی دیگر از آنها می‌پردازم و از اینمطلب می‌گذرم. اخیراً وزارت علوم و آموزش عالی تصمیم گرفته است بمنظور تأمین هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی عده‌ای از فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاهها و مدارس عالی کشور را برای کسب تخصص بخارج اعزام دارد. با وجودیکه این تصمیم مفید خیلی دیر اتخاذ شده است مع هذا باید از وزیر علوم فعلی تشکر نمود که باین نقیصه بزرگ دستگاه تعلیمات عالی که قبلاً بآن اشاره نموده‌ام توجه نموده است. چندی قبل برای انتخاب عده‌ای که باید اعزام شوند آزمایش مخصوصی از عده بسیار زیادی فارغ‌التحصیلان ممتاز بعمل آمد. اگر جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی - نتیجه این آزمایش را آنطور که بوده باطلاع نمایندگان محترم برسانند معلوم میشود که در آزمایش انجام یافته در وزارت علوم هم اعداد بهمان زبانی که قبلاً عرض کردم سخن می‌گویند. خلاصه نتیجه گیری اینست که دستگاه آموزشی ما چنان به کمیت پرداخته که عملاً کیفیت را فراموش کرده است.

اینکه عرض کردم عملاً کیفیت را فراموش کرده‌اند مقصود اینست که در برنامه ریزها برای گرفتن بودجه در کنفرانسها در سمینارها در قطعنامه‌ها در سخنرانیها در گزارشها در تشکیلات عربی و طویل اداری همه جا صحبت از کیفیت است و در جایی که اثری از کیفیت نیست در عمل است در کار است و در محصول است. از مطلب دور نشویم حالا برای ما این سؤال مطرح میشود که چه عامل اساسی موجب بروز این پدیده یعنی پدیده کاهش سریع و روز افزون کیفیت محصول دستگاه تعلیماتی کشور شده است. اکثریت و اقلیت متفق القولیم که کارکنان

دستگاه آموزشی ما از پاکترین و وظیفه شناس‌ترین و مؤمن‌ترین کارکنان دولت می‌باشند.

استادان و دانشیاران استاد یاران مریبان دبیران آموزگاران مدیران مدارس و سایر کارکنان تشکیلات آموزشی همه و همه با نهایت کوشش - صداقت و در حد از خود گذشتگی و وظائف خود را انجام میدهند. اساتیدی که عرض کردم مجبور بمسافرت دائم با هواپیما و اتوبوس گردیده‌اند با نهایت فداکاری سلامتی و حتی جان خود را بخطر میاندازند که کلاسها بدون معلم نماند نوباوگان و جوانان ما اگر از نوباوگان و جوانان سایر کشورها بیشتر شائق بتحصیل نباشند مسلماً کمتر هستند. دولت متعهد و مؤمن است که کمال توجه را باین امر آموزش مبذول میدارد و اختصاص بودجه به فصل آموزش را بر هر کار دیگر مقدم می‌شمرد. پس چرا با اینهمه امکانات با اینهمه حسن نیت با اینهمه علاقه دولت و ملت کیفیت آموزش در کشور ما بطور مداوم کاهش می‌یابد و این کاهش در مواردی آنقدر سریع و روز افزون است که باید آنرا سقوط کیفیت نامید، نه کاهش کیفیت. بیائید امروز بدون حب و بغض موافق و مخالف دولت و فارغ از قیل و قال اقلیت و اکثریت این مسئله اساسی مملکتی را که بدون اغراق آینده کشور ما بدان بستگی دارد بطور اصولی بر پایه موازین علمی و منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

در دنیای امروز دستگاه تعلیم و تربیت هر کشوری را يك واحد اقتصادی تولید کننده عادی می‌شناسند. اینواحد تولیدی مثل سایر واحدهای اقتصادی محصول خود را برای مصرف با اجتماع عرضه میدارد.

پس در هر کشوری دستگاه آموزشی تولید کننده و اجتماع آن کشور مصرف کننده تولیدات آن است تا اینجا بموضوع خاصی بر نخوردیم ولی يك خصوصیت بارز این دستگاه تولیدی را از همه دستگاههای تولیدی دیگر کشور متمایز می‌سازد و توجه بهمین خصوصیت بارز است که پاسخ پرسش ما را خواهد داد.

این خصوصیت بارز اینست که دستگاه تولیدی تعلیم و تربیت بحکم طبیعت خاص خود ناگزیر است برای ادامه تولید مرغوب جزء قابل ملاحظه‌ای از مرغوبترین و بهترین محصول خود را خود مصرف نماید. بعبارت دیگر دستگاه

تعلیماتی وقتی موفق است که بتواند جز نسبتاً بزرگی از بهترین تولید خود را جذب نماید. تکرار می‌کنم یک دستگاه تعلیماتی سالم و موفق هم تولیدکننده است و هم مصرف‌کننده مهمی از بهترین محصول خود.

اگر دستگاه تعلیم و تربیت کشور بتواند بمقدار کافی بهترین فارغ‌التحصیلان خود را در مقام‌های آموزشی بکار بگمارد کیفیت آموزش در آن کشور به سرعت رو با افزایش می‌رود و پدید می‌آید و ارتقاء کیفیت آموزشی ظاهر می‌شود. اگر در دستگاه تعلیم و تربیت کشوری تعداد فارغ‌التحصیلانی که به مشاغل آموزشی اشتغال می‌ورزند کافی نباشد ولی همین تعداد ناکافی از بهترین فارغ‌التحصیلان انتخاب شده باشند آن دستگاه آموزشی با کیفیت متوسطی بکار خود ادامه می‌دهد. وای بموقعی که در یک دستگاه تعلیماتی هم تعداد فارغ‌التحصیلانی که بآموزش اشتغال ورزیده‌اند ناکافی باشد و هم افرادی از این عده ناکافی از بین رتبه‌های کمتر از متوسط انتخاب شده باشند در این صورت کیفیت آموزش با سرعتی باور نکردنی تنزل می‌کند و پدید می‌آید سقوط کیفیت آموزشی حکومت می‌کند. نمایندگان محترم بسیار متأسفم از اینکه این درست وضعی است که دستگاه تعلیماتی کشور عزیز ما در سنوات اخیر و مخصوصاً در سطوح راهنمایی و متوسطه بآن دچار شده است. بالاخره روزی بساید دولت این اصل را بپذیرد که اگر بخواهیم محصول دستگاه تعلیم و تربیت در هر نسل بهتر از نسل گذشته باشد ناگزیر بساید تعداد بزرگی از زبده‌ترین و کاملترین فارغ‌التحصیلان را به شغل‌های آموزشی بگماریم جز این راهی نیست. پس درد اصلی دستگاه تعلیم و تربیت ما شناخته شد و منشأ آن معلوم گردید.

بطور خلاصه علت‌العلل درد‌های مزمن دستگاه تعلیماتی کشور ما عدم توفیق دولت در اجرای برنامه‌های مربوط ب جذب تعداد کافی فارغ‌التحصیل ممتاز برای کار در مشاغل آموزشی می‌باشد. صراحتاً باید عرض کنم که تا این تاریخ دولت در اجرای این برنامه‌ها که بطور خلاصه علل حساسیت و ضرورت اجرای آنها را بعرض رسانیدم ناموفق بوده است.

حیف که فرصت و حوصله مجلس اجازه نمی‌دهد که با عدد و رقم و منطق قوی شواهد متعددی را که مؤید عرابض

باشد ارائه دهم. لاف از نمایندگان محترم اجازه می‌خواهم بعدهای از این شواهد اشاره نمایم.

۱- یکی از طرق جذب جوانان مستعد و علاقه‌مند بطرف مشاغل آموزشی توسعه ظرفیت و بهبود کیفیت دانشسراها است زیرا در آینده قسمت عمده‌ای از شاغلین مشاغل آموزشی در سطوح غیر دانشگاهی از بین فارغ‌التحصیلان این دانشسراها انتخاب خواهند شد.

در این قسمت از عرابض توجه من بیشتر معطوف بدانشسراهای مقدماتی - دانشسراهای راهنمایی و دانشسراهای تربیت معلم است. (اگر فرصتی باقی ماند راجع بدانشسراهای عالی جداگانه صحبت خواهم کرد) طبق آمار رسمی منتشر شده از طرف سازمان برنامه در سال تحصیلی ۵۰-۴۹ تعداد کل دانش آموزان متوسطه یک میلیون نفر بوده است که از این عده فقط ۱۰ هزار نفر در تمام دانشسراهای کشور بتحصیل اشتغال داشته‌اند. یعنی بفرض اینکه همه این افراد علاقه‌مند بشغل آموزشی باشند تازه دولت توانسته است فقط ۱٪ کل دانش آموزان دبیرستانی را به مشاغل آموزشی علاقه‌مند سازد. و عده دولت در بودجه پیشنهادیکه این رقم را تادو سال دیگر بجهل هزار نفر خواهد رسانید هم این رقم را از چند درصد کوچکی بالاتر نخواهد بود.

اگر بشرايط نام نویسی و نحوه ورود و اشتغال بتحصیل همین عده بسیار محدود در دانشسراها توجه کنیم و اگر نتیجه امتحانات آنها را در این دانشسراها ارزشیابی نمایم حقیقت تلخ دیگری آشکار میگردد. بگذارید با احترام شغل معلمی درباره این حقیقت صریحتر از این چیزی نگویم.

نمایندگان محترم آیا باین ارقام سه چهارم در حد و با کیفیتی که مسکوت گذاردم دردی را که شناختیم میتوانیم درمان کنیم؟ به شاهد دیگری که نمایشگر لزوم توجه خیلی بیشتر دولت بموضوع جذب فارغ‌التحصیلان ممتاز بطرف مشاغل آموزشی است توجه فرمائید.

۲- طبق پیش‌بینی مجامع بین‌المللی اگر تعداد کل دانش آموزان دوره‌های مقدماتی و راهنمایی را در تمام جهان برای سال ۱۹۶۰ با عدد ۲۰۰ نمایش دهیم این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۱۴۲/۲ خواهد رسید. رشد نسبی

تربیت را در این باره عرض کنم «بسیار آسان است که تعداد کافی افراد علاقه‌مند و مؤمن پیدا کنیم که بتوانند کلاسها را اداره کنند و آنها را منظم نگاهدارند ولی بسیار دشوار است که بتوانیم تعداد کافی افرادی پیدا کنیم که بدانند چگونه باید تعلیم داد».

مسئله تربیت معلم عجولانه انجام پذیر نیست - برنامه ریزی صحیح می‌خواهد - صمیمیت می‌خواهد - کوشش می‌خواهد - بی‌گیری می‌خواهد - چهاره‌جوشی می‌خواهد - همکاری مردم را می‌خواهد و بطور خصوص زمان می‌خواهد. فقط با اختصاص بودجه و خرج پول مشکل نیساز میرم دستگاه‌های تعلیماتی به معلم حل نمیشود.

رئیس - آقای دکتر آزاد از مطالبتان زیاد باقی مانده است؟
دکتر آزاد - یکی دو قسمت مهم راهنوز مطرح نکرده‌ام.

۳ - تعیین موقع جلسه آینده ختم جلسه

رئیس - شام مختصری تهیه شده است با اجازه خانم‌ها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده پس از صرف شام در ساعت ۹ تشکیل خواهد شد

(ساعت ۸ بعد از ظهر جلسه ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

این رقم برای ناحیه جغرافیائی ما (یعنی حدود جنوب غربی آسیا) بیشتر است و بعد ۱۷۲ بالغ میگردد (برای روسیه عدد ۱۷۱/۵ را داده‌اند).

این اعداد فریاد می‌زنند که اگر ایران در چهارده سال پیش برای صدنفر میبایست معلم دوره ابتدائی و راهنمایی تربیت کند در سال ۱۹۸۰ که خیلی دور نیست باید برای ۱۷۲ نفر معلم تربیت کند.

آیا با رقم سه چهارم درصدی که در مورد نسبت کل دانش آموزان دانشسراها بکل دانش آموزان دبیرستانها بعرض رسانیدم نیل باین هدف آسان است؟ بلی سالها است که اعداد مجامع بین‌المللی فریاد می‌زنند که باید دانشسراها را سرعت توسعه داد. آیا در دستگاه آموزش ما فریاد این اعداد تا کنون به جایی رسیده است؟ اینجا است که بزرگی گناه کسانی که دانسته یا ندانسته در چند سال قبل جلو رشد سریع دانشسراهای مقدماتی را گرفتند و حتی بعضی از آنها را تعطیل کردند روشن میشود جبران عدم کوشش ده ساله گذشته کار آسانی نیست زیرا مسئله توسعه سریع کمی و کیفی دانشسراها مسئله‌ایست بسیار پیچیده که جای بحث آن اینجا نیست. بقین دارم اولیای وزارت آموزش و پرورش بیش از من از مشکلات و پیچیدگی این موضوع آگاهی دارند. فقط برای ختم موضوع دانشسراها اجازه فرمائید نظریکی از بزرگان تعلیم و